

کتیبه‌های بقعه زین الدین ابوبکر تایبادی

احمد صالحی کاخکی

یکی از ادوار درخشان فرهنگ و تمدن ایرانی دوران زمامداری اولاد تیمور لنگ است که تختگاه ایشان، سمرقند و هرات، محل تجمع اربابان فضل و هنر گردیده بود، همچنین دیدارهای تیمور با صوفیان نامداری مانند: صدرالدین اردبیلی، سید برکه، شهاب الدین بسطامی، باباسنگوی اندخودی، زین الدین ابوبکر تایبادی، شیخ ضیاء الدین یوسف جامی... نمایانگر توجه خاص وی به صوفیان می‌باشد. از این رو در زمان او و فرزندانش تصوف و به تبع آن خانقاه سازی و برپائی بقاع بر سر مزار صوفیان نامور، رونق خاصی یافت و خانقاه‌های بسیاری در جای جای ایران زمین، به ویژه در هرات و اطراف آن، بر پا گردید که بانی‌اغلب آنها فرزندان تیمور مانند: شاهرخ و همسرش گوهرشاد آغا، سلطان حسین بایقرا و یا وزرای ناهوری نظیر: غیاث الدین پیر احمد خوافی، امیر علیشیر نوایی و نیز امرائی چون: امیر جلال الدین فیروز شاه، امیر شاه ملک، امیرکو کلتاش، یوسف خواجه... بودند.

یکی از برجسته‌ترین این بناها، بقعه سر مزار شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی در تایباد است که در سال ۸۴۸ هـ.ق توسط غیاث الدین پیر احمد خوافی، بر پا گردیده است که در این جا به بررسی آن می‌پردازیم.

۱) موقعیت جغرافیائی تایباد:

شهرستان تایباد در شرق استان خراسان واقع شده و از دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل یافته است. حدود آن از شمال به شهرستان تربت جام و از مشرق به کشور افغانستان محدود است و هریرود در این منطقه مرز ایران و افغانستان را مشخص کند. این شهرستان از جنوب به شهرستان تربت حیدریه محدود می‌شود.^۱ (شکل ۱- الف)

تایباد در ۳۳ درجه و ۴۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض جغرافیایی و ۶۰ درجه و ۴۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول جغرافیایی واقع شده است و ارتفاع آن 110 ± 810 متر

می‌باشد^۲ که از غرب به شرق از ارتفاع آن کاسته می‌شود. فاصله هوائی آن تا تهران $10 = 864$ کیلومتر^۳ و فاصله آن از مشهد ۲۵۰ کیلومتر و از مرز افغانستان ۲۳ کیلومتر

- ۱- فرجی، عبدالرضا و دیگران: جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶، ص ۶۲۳.
- ۲- جعفری، عباس: شناسنامه جغرافیائی طبیعی ایران، تهران، مؤسسه گیتاشناسی (ش ۱۳۴)، بی‌تا، ص ۷.
- ۳- همان کتاب، ص ۲.



شکل ۱- الف: موقعیت شهرستان تایباد در روی نقشه عمومی کشور

آباد» بوده، بنابراین قدمت آن به حدود ۸۰۰ سال قبل بر

می‌باشد و دارای وسعتی در حدود ۵۰۸۴ کیلومتر مربع است.^۴

۴- جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، ص ۶۲۴.

۵- رک به: جامی، عبدالرحمن: نفحات الانس، تصحیح مهدی توحیدی پور، تهران، کتابفروشی محمودی، ۱۳۳۶، ص ۴۹۸ - ۵۰۰.

۶- تمیمی سمعانی، للامام ابی سعد عبدالکریم بن محمد بن منصور: الأنساب، جلد ۱ تقدیم و تعلیق: عبدالله عمرالبارودی، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸ هـ، ص ۴۴۴.

۷- رک به: ابن الاثیر الجزری، عزالدین: اللباب فی تهذیب الأنساب، جلد ۱، بیروت، دارصادر، بی تا، ص ۲۰۵ - حموی، یاقوت: معجم البلدان، جلد ۲، تصحیح محمد امین الخانجی، مصر، بی تا، ص ۳۵۷ - اعتماد السلطنه، محمد حسن خان: مرآة البلدان، جلد ۱ تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۵۳۹، وی آن را به صورت «تایاد» (۹) نوشته است.

۸- رک به: خوافی، شهاب الدین عبدالله: جغرافیای تاریخی حافظ ابرو، تصحیح غلامرضا وهرام، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰، ص ۲۶.

وجه تسمیه: نام این شهر در منابع مختلف به صورت: تائب آباد/ تائباد/ تایباد/ طیبات(?) آمده است. ولی اولین بار «سمعانی» نام آن را به صورت «تایاباذ» آورده و ذیل واژه «التا یاباذی» چنین آورده است: «التا یاباذی: ... این منسوب است با تایاباذ که یکی از روستاهای فوشنج هرات است و أبوالعلاء ابراهیم بن محمد تا یاباذی که فقیه کرامیه و پیشوای ایشان بود، منسوب به آن است...»^۶

«ابن اثیر» و «یاقوت حموی» نیز آن را از قرای بوشنج/ پوشنگ هرات شمرده‌اند.^۷ اما حافظ ابرو نام آن را «تایباد» ثبت کرده و آن را در زمرة قرای مشهور با خرز آورده است.^۸

در خصوص وجه تسمیه آن چنین نوشته‌اند: «چنانکه از شواهد پیداست نام اولیه این شهر «مغول

می‌گردد(؟)، بعدها در اثر شیوع طاعون این محل متروکه گردید و مجدداً بعد از چندین سال به نام «طیبات(؟) یا «تایباد» رو به آبادانی گذارد.

بنا به روایات وجه تسمیه تایباد این است که در این ناحیه بادهائی می‌وزد که مدت وزش آن ۱۲ ساعت در روز است و آن ۱۲ ساعت را «تای» می‌گویند. لذا این محل به تایباد معروف گردیده است.^۹

شایان ذکر است که از این دو، مورد اول یعنی نام (مغول آباد) و قدمت آن (۸۰۰ سال قبل) نمی‌تواند درست باشد چرا که دست کم «سمعانی» در قرن ششم (متوفی ۵۶۲ هـ) و «یاقوت حموی» در سده هفتم هجری، نام آن را «تایباد» نوشته‌اند که پذیرفتنی نیز هست و به مرور زمان نام آن از تایباد به تائباد/ تایباد تغییر یافته است.

علاوه بر اینها این کمینه بر این عقیده هستیم که «طیباد» نیز تا اندازه‌ای قابل قبول است چرا که این واژه مرکب از دو کلمه «طی» و «باد» است و یکی از معانی که در لهجه محلی از لغت «طی» مستفاد می‌شود، «در مسیر» است، بنابر این معنای آن «در مسیر باد» می‌شود، که از یک سو نوشته فوق مؤید این فرضیه است و از طرف دیگر نزدیکی آن به با خرز (که اصل آن به زبان پهلوی بادهرزه؛ وزیدن گاه باد، بوده است) و مشابهت‌های آب و هوائی آن با باخرز، این نظریه را تقویت می‌کند.

بنابر این از آنچه که گفته آمد چنین نتیجه می‌شود که اولاً نام این محل تایباد بوده و نه مغول آباد، که بعدها به صورت تایباد در آمده است و پیشینه آن را بر اساس متون تاریخی حداقل می‌توان تا سده ششم هجری به عقب برد. ثانیاً این روستا که در زمان ابن اثیر و یاقوت حموی (سده‌های ۶ و ۷ هـ) یکی از روستاهای پوشنگ هرات محسوب می‌شده، در زمان حافظ ابرو (نیمه اول سده ۹ هـ) به ناحیه با خرز پیوسته است و احتمالاً تا اواخر دوره قاجار همچنان به عنوان یکی از روستاهای با خرز شناخته می‌شده تا اینکه پس از ویرانی شهر تازه تأسیس «شهرنو» در با خرز (که توسط یکی از سرکردگان ایل هزاره که از بادغیس به این ناحیه مهاجرت کرده بودند، ساخته شده بود) به مرور بر رونق این

روستا افزوده شده است. تا جائیکه امروزه شهر تایباد، مرکز شهرستان تایباد و با خرز یکی از روستاهای آن به شمار می‌آید.

۲) شرح حال شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی

یکی از صوفیان نامدار قرن هشتم هجری شیخ «زین الدین ابابکر بن شیخ علی بن شیخ ابوبکر بن شیخ احمد بن شیخ محمد بن شیخ محمود بن سهیل تایبادی»، است که معاصر «خواجه حافظ شیرازی» و «تیمورلنگ» بوده است، و نوشته‌اند که تیمور را ارادت خاصی نسبت به وی بوده است که در اینجا به بررسی اجمالی احوال او می‌پردازیم.

مشایخ: وی را در علوم ظاهری شاگرد «مولانا نظام الدین هروی» و برخی «ابوطاهر خوارزمی» نوشته‌اند. «جامی» در این باره چنین نوشته است:

«وی در علوم ظاهری شاگرد مولانا نظام الدین هروی است، اما بواسطه ورزش شریعت و متابعت سنت، ابواب علوم باطنی بر وی مفتوح شده بوده است. و احوال و مقامات عالیه ارباب ولایت میسر گشته، و وی به حقیقت اویسی بوده است و تربیت از روحانیت شیخ الاسلام احمد النامقی الجامی قدس الله تعالی سره یافته است و ملازمت تربت مقدسه وی بسیار می‌کرده است.»^{۱۰}

«نایب الصدر» معتقد است که او از محضر «بابا محمود طوسی» و مشایخ حجاز، در سفری که به آنجا داشته، فیض یاب شده است؟^{۱۱}

«قاضی نورالله شوشتری» او را مرید «ابوطاهر خوارزمی» شمرده و در این خصوص نوشته است:

«... غوث المتأخرین» (سید محمد نوربخش) نورالله

۹- فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران،

جلد ۵۵ (تایباد) تهران، اداره جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۳، ص ۱۵.

۱۰- فحات الانس، ص ۴۹۸- همچنین رک به: خواندمیر: حبیب

السیر، جلد ۳، تهران، خیام، ۱۳۳۳ هـ، ص ۵۴۳.

۱۱- رک به: شیرازی، محمد معصوم: طرائق الحقائق، جلد ۲،

تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران، بارانی، ۱۳۳۹ هـ، ص ۶۸۰.

مرقده، در مشجر خود آورده که او از علمای اولیاء و اجله عرفا بود و در علوم ظاهری کامل و در صفای باطن و کشف و شهود بحری بی ساحل بود همتی عالی و هیبتی عظیم، مرید ابو طاهر خوارزمی بود و او مرید «عبید الله بید آبادی» و او مرید «شیخ علاء الدوله سمنانی» است جمعی کثیر از علمای ظاهر مثل سید المحققین «میر سید شریف علامه شیرازی» و «مولانا سعید الدین تفتازانی» معتقد جناب شیخ بوده‌اند و خواه بهاء الدین نقش بند خدمت او رسیده و گفته که او را مانند بحری یافتیم در معارف»^{۱۲}

مولانا زین الدین ابوبکر و غیاث الدین بیرعلی کرت: مولانا معاصر واپسین حکمران از خاندان کرت، یعنی «بیرعلی»، بوده و مکاتباتی نیز با او داشته است.

از آن جمله آورده‌اند که چون ملک غیاث الدین نسبت به مردم ستم روا می‌داشت عده‌ای به نزد مولانا، به دادخواهی از وی آمدند، مولانا نیز نامه‌ای عتاب آمیز به او نوشت^{۱۳}، که در این باره چنین نوشته‌اند:

«ساختن شهر بند نو هرات به حکم ملک غیاث الدین پیر علی بن محمد بن محمد بن محمد بن ابی بکر کرت و مولانا شیخ الاعظم الاعلم الاورع الاتقی سلطان الاولیاء الله العظام مولانا زین الملة و الدین ابی بکر التایبادی قدس سره پیغام فرستاده بود که بلاى خدای تعالی را بدیوار نگاه نتوانی داشت مردم را زحمت مده، او در جواب گفته باشد: که ائمه را با کار ملک چه کار؟ چون این حکایت بسمع مولانا و شیخ الاعظم رسانیدند بغضب رفت و بمزارات متبرکه فرمود، و بعد از آن بر لفظ مبارک راند که ملک را عزل کردند و ترکی را که بر پای او عیبی است مهم او دادند و چنان شد»^{۱۴}

تیمور و مولانا زین الدین ابوبکر: «تیمور که ارادت خاصی نسبت به متصوفه و عرفا داشت، هنگامی که عازم تسخیر هرات بود، به زیارت مولانا شتافت»^{۱۵}.

در «حبیب السیر» در این باره چنین آمده است. «... در وقتی که امیر تیمور گورکان داعیه تسخیر هرات داشت، در قصبه «تایباد» با جناب مولوی ملاقات نمود و آن جناب زبان بنصیحت آنحضرت گشوده سخنان

سودمند فرمود، نقلست که در اثناء قیل و قال صاحبقران ستوده خصال از آن قدوة اصحاب و جدو حال سؤال کرد که شما چرا هرگز ملک غیاث الدین پیرعلی را ارشاد نفرمودید تا ترک اعمال ناشایسته دهد؟ مولانا زین الدین (گفت) که او را نصیحت کردم قبول نمود لاجرم ایزد تعالی شما را بروی گماشت و اگر تو نیز با بندگان خدای تعالی بر نهج عدالت سلوک نمائی دیگری بر تو مستولی خواهد شد. امیر تیمور گورکان فرمود: که کیست آن شخص که او را بر من استیلا دست دهد؟ جناب مولانا گفت: عزرائیل. امیر صاحبقران از شنیدن این سخن فال نیک گرفته، گفت هیچیک از سلاطین را بر من ظفر دست نخواهد داد و انتقال من از دار ملال با جل طبیعی خواهد بود...»^{۱۶}

«اسفزاری» پس از بیان این رویداد نوشته است:

«... حضرت صاحب قران رقت آورده، بیرون آمد

۱۲- شوشتری، قاضی نورالله: مجالس المؤمنین، جلد ۲، تهران،

کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۶ هـ ق، ص ۴۰.

۱۳- رک به: یوسف اهل، جلال الدین: فراند غیائی، جلد ۱، به

کوشش حشمت مؤید، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶، ص ۴۷۱-۴۷۵.

۱۴- فصیحی خوافی، فصیح احمدین جلال الدین محمد: مجمل

فصیحی، جلد ۳، تصحیح محمود فرخ، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۳۹، ص ۱۱۳، جهت اطلاع بیشتر رک به: سمرقندی، امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیاشاه الغازی: تذکرة الشعراء، چاپ دوم، به همت محمد رضائی، تهران، کلاله خاور، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲، ۲۰۳.

۱۵- رک به: یزدی، شرف الدین علی: ظفر نامه، جلد ۱، تصحیح

محمد عباسی، تهران امیر کبیر، ۱۳۳۶، ص ۲۲۸، ۲۲۹- هدایت، رضا قلی خان: تذکرة ریاض العارفین، به کوشش مهر علی گرگانی، تهران، کتابفروشی محمودی، بی تا، ص ۱۲۴.

۱۶- حبیب السیر، جلد ۳، ۵۴۳- طرائق الحقائق، جلد ۲، ص

۶۷۹، ۶۸۰- مجمل فصیحی، جلد ۳، ص ۱۱۶- شیروانی، زین العابدین: ریاض السیاحه، تصحیح اصغر حامد ربانی، مقدمه حسین بدر الدین، تهران، سعدی، ص ۱۵۱-۱۵۲.

و می فرمود که در زمان حکومت خود با هر کس از گوشه نشینان ملاقات کردم او از من ترسید، و من از مولانا ترسیدم، مرد حقا نیست پس متوجه هرات شد...»^{۱۷}
این ملاقات مربوط به ذی الحجّه سال ۷۸۲ هـ بوده است.

حافظ و شیخ زین الدین ابابکر: از دیگر رویدادهای روزگار حیات وی، ملاقات او با خواجه شیراز بوده است. که در مورد این رویداد، در کتب تاریخی چنین می خوانیم:
روزی «شاه شجاع» بزبان اعتراض خواجه حافظ را مخاطب ساخته گفت: ابیات هیچیک از غزلیات شما از مطلع تا مقطع بر یک منوال واقع نشده، بلکه از هر غزلی سه چهار بیت در تعریف شرابست و دو سه بیت در تصوف و یک دو بیت در صفت محبوب و تلون، در یک غزل خلاف طریقه بلغاست. خواجه گفت: آنچه به زبان مبارک شاه می گذرد عین صدق و محض صوابست اما معدلک شعر حافظ در اطراف آفاق اشتها تمام یافته و نظم حریفان دیگر پای از دروازه شیراز بیرون نمی نهد. بنابر کنایت شاه شجاع در مقام ایذاء حافظ شده بحسب اتفاق در آن ایام آن جناب غزلی در سلک نظم کشید که مقطعش این است، شعر:
گر مسلمانی از اینست که حافظ دارد

وای اگر از پی امروز بود فردائی
و شاه شجاع این بیت را شنیده گفت: از مضمون این نظم چنان معلوم میشود که حافظ بقیام قائل نیست و بعضی از فقهاء حسود قصد نمودند که فتویٰ نویسند که شک در وقوع روز جزا کفر است و از این بیت آن معنی مستفاد میگردد خواجه حافظ مضطرب گشته نزد «مولانا زین الدین ابوبکر تا یادی» که در آن اوان عازم حجاز بود و در شیراز تشریف داشت، رفت و کیفیت قصد بد اندیشان را عرض نمود. مولانا فرمود: که مناسب آنست که بیت دیگر مقدم برین مقطع درج کنی، مشعر باین معنی که فلان چنین میگفت: تا بمقتضاء آن مثل که نقل کفر، کفر نیست از این تهمت نجات یابی، بنابر این خواجه حافظ این بیت را گفته پیش مقطع در آن غزل مندرج ساخت، بیت:
این حدیثم چو خوش آمد که سحر که میگفت

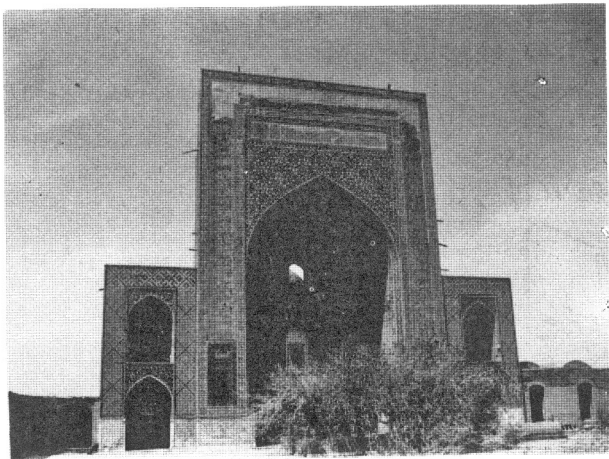
بر در می کده با دف و نی ترسائی
و با این واسطه از آن دغدغه نجات یافت...»^{۱۸}
تاریخ فوت: مولانا زین الدین ابوبکر در روز پنجشنبه، ماه محرم سال ۷۹۱ هـ دارفانی را وداع گفت. در این باره چنین نوشته اند:

«وفات مولانا زین الدین ابوبکر، در نیم روز پنجشنبه سلخ محرم الحرام سنه ۷۹۱ روی نمود و «ملک عمادالدین زوزنی» در تاریخ وفاتش این قطعه نظم فرمود، قطعه:
سنه احدى و تسعين بود تاریخ
گذشته هفتصد از سلخ محرم
شده نصف النهار از پنجشنبه
که روح پاک مولانای اعظم
سوی خلد برین رفت و ملایک
همه از جان گفتند خیر مقدم
و دیگری از فضلا در این باب گوید:
تاریخ وفات قطب اوتاد
یک نقطه بنه با آخر صا^{۱۹}
(صا=۷۹۱)
او را در زادگاهش تا یباد با خرز به خاک سپردند،
«فصیحی» این مطلب را چنین نوشته است:
«وفات مولانا و شیخ الاسلام قدوة المحققین و

۱۷- زمجی اسفزاری، معین الدین: روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، بخش دوم، تصحیح حواشی و تعلیقات از سید محمد کاظم امام، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۳۹، ص ۳۶-۳۷.

۱۸- حبیب السیر، جلد ۳، ص ۳۱۵-۳۱۶ جهت اطلاع بیشتر رک به: طرائق الحقائق جلد ۲، ص ۶۸۱، ۶۸۲-فسایی، حاج میرزا حسن: فارسنامه ناصری، جلد ۱ تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷، ص ۳۱۸.

۱۹- حبیب السیر، جلد ۳، ص ۳۱۵، ۳۱۶- جهت آگاهی بیشتر رک به: نفحات الانس، ص ۵۰۰-مجمّل فصیحی، جلد ۳، ص ۱۳۱- مجالس المؤمنین، جلد ۲، ص ۴۱-ریاض العارفین، ص ۱۲۴-ریاض السیاحه، ص ۱۵۲.



تصویر ۱) بقعه و مزار زین الدین ابوبکر

«هوالباقی

سنه احدی و تسعین بود تاریخ
گذشته هفتصد از سلخ محرم
شده نصف النهار از پنجشنبه
که روح پاک مولانای اعظم
سوی خلد برین رفت و ملائک
همه گفتند از جان خیر مقدم
علاوه بر اینها سنگ سیاه دیگری نیز در بالا سر قبر
وجود داشته است که بر روی آن این اشعار به خط نستعلیق
نوشته شده بود:

«در زمان خسرو گیتی ستان
شاه عباس آن شه عالی مقام

۲۰- مجمل فصیحی، جلد ۳، ص ۱۳۱.

۲۱- قسمتی که در داخل کروهه جای داده شده از بین رفته، لذا با استفاده از مأخذ ذیل تکمیل شده است: هنرفر، لطف الله: «یادگارهای تایباد» هنر و مردم، ش ۱۷۲، ص ۲۱، ۱۳۵۵ هـ، و کلماتی که در داخل پرانتز آورده شده است، بر اساس کتیبه بنای دیگری - منسوب به مقبره پدر شیخ زین الدین ابوبکر (زین الدین علی) - که قدیمی تر (۱۳۰۰ هـ) از سنگ قبر مزبور است، تصحیح شده است، شاید اشتباه از حجار بوده باشد که در سلسله نسب وی کلمه «محمد» را حذف کرده است.

سلطان المدققین وحید دهره و فرید عصره شیخ الکل
المکمل الواصل، زین الملة و الدین ابی بکر التایبادی قدس
سزه رور پنجشنبه سلخ محرم الحرام، در تایباد با خرز مدفونا
به ظاهر تایباد. ۲۰

تا این که در زمان شاهرخ؛ پسر تیمور، وزیرش
پیراحمد خوافی (در سال ۸۴۸ هـ)، بقعه‌ای بر سر مزار او بر پا
کرد که شرح آن خواهد آمد.

۳) مقبره شیخ زین الدین ابابکر تایبادی

مقبره مولانا زین الدین ابوبکر، در کنار گورستان
شهر تایباد در ابتدای جاده تایباد به خواف واقع شده است،
که قبر شیخ همانند قبر شیخ جام و میر غیاث الدین (در
روستای بزدجام) در فضای آزاد مقابل بنائی رفیع، قرار
گرفته است که برگرد مزار او محجری کشیده‌اند و بر بالای
مرقدوی همانند مقبره شیخ احمد جامی، درخت پسته‌ای
روئیده است (تصویر ۱، شکل ۱- ب)

دو لوح خاکستری رنگ، یکی بر روی قبر و
دیگری در بالا سر آن، به صورت افراشته وجود دارد، که بر
روی سنگ قبر به خط نستعلیق چنین نوشته شده است:

«کل شی ها لک الآ وجهه

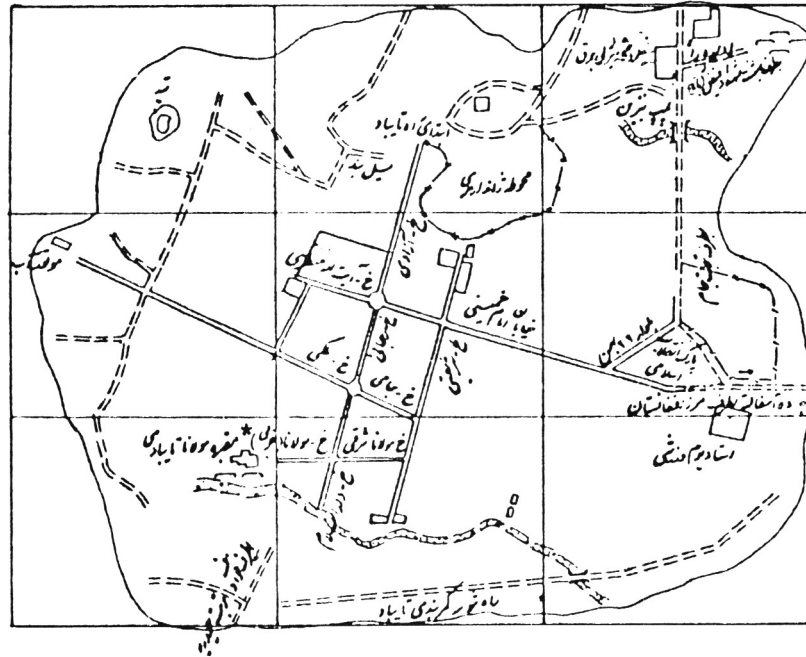
هذا مرقد مرحوم قطب الاقطاب مولانا

شیخ زین الدین

ابابکر بن شیخ علی بن شیخ ابوبکر بن شیخ احمد بن
[شیخ (محمد بن) شیخ محمود بن شیخ سهیل تایبادی وفات
یوم پنجشنبه سلخ محرم ۷۹۱] ۲۱... بسالاش شد ندا مخدوم
نامی.»

در پائین سنگ دیگری که لوح مزبور بر روی آن
قرار گرفته است نوشته شده: ۱۳۲۹. «عمل حاجی اکبر
حجار اصفهانی دربان حضرت سیدالشهداء ولد مرحوم الله
کرم اسکندری، ۱۳۷۰.»

در بالا سر قبر، سنگ افراشته‌ای از همان جنس قرار
دارد که قسمت بالای آن با نقش چند گل که در داخل
دایره‌ای قرار گرفته‌اند، تزئین شده است و در زیر آن عبارات
ذیل به خط نستعلیق آمده است: (تصویر ۲)



شکل ۱- ب: به شهر تا بیاد، موقعیت بقعه شیخ زین الدین ابوبکر تا بیادی (ب) مرکز آمار ایران

ارباب العقول و التَّهَى ان هذه الدار محل بطرق الحدوث و
 الفنا لا مقام تصوّر الثُّبوت و البقا فطوبى لِمَنْ أجاب دعوة
 الحق اتياً بقلب سليم و استبشر رحمة من الله و معرفته منه و
 هو الغفور الرحيم اعني الصاحب الاعظم المغفور صدر
 مجامع صناید الوزراء و الصدور، قدوة ارباب القلم بالترای
 الرزین و عمدته اشرف العجم بالفضل المبین الواصل الى جوار
 رحمة الله الودود خواجه زین الملة و الدین محمود بن
 الصاحب المفاضل المعظم خلاصة الاعالی بعوالی الهمم
 خواجه صدر الحق و الدین محمّد الخوافی زین الله احوالهما
 و حقق امالهما»^{۲۴}

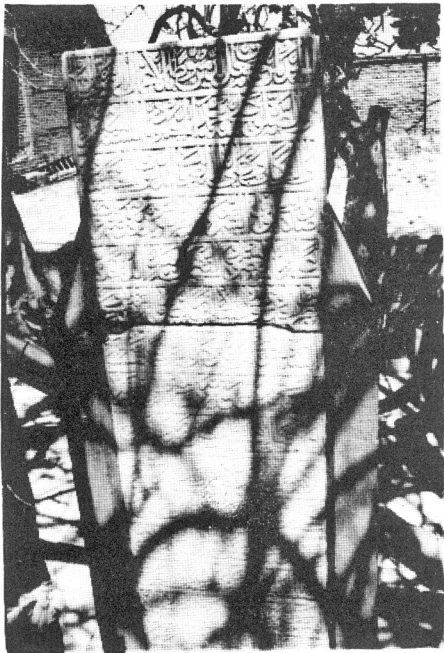
۲۲- منشی، محمد علی، سفرنامه رکن الدوله، به کوشش محمد
 گلین، تهران، سحر ۱۳۵۶، ص ۱۱۱، همچنین رک به، آندره گدارو دیخران:
 آثار ایران، جلد ۱، ترجمه ابوالحسن سر و قد مقدم، مشهد، آستان قدس
 رضوی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۳، در این مأخذ عبارات «گیتی ستان» را «گیتی
 نشان» و «کیوان غلام» را «کیوان مقام» نوشته است.

۲۳- آثار ایران، جلد ۱، ص ۱۷۴.

۲۴- سفرنامه رکن الدوله، ص ۱۱۲.

نقد اولاد امیر المؤمنین
 شاه گردون حشمة کیوان غلام
 عبداکبر خواجه درویش آنکه بود
 در فن جود و سخا مرد تمام
 بهر قبر شیخ زین الدین علی
 ای محجر ساخت از سنگ رخام
 در هزاروسی به توفیق اله (اله)
 تا بماند نام نیکش بر دوام^{۲۲}
 «با توجه به این ابیات معلوم می شود که محجر
 خاکستری در سال ۱۰۳۰ ه. ق. توسط شخصی بنام «خواجه
 درویش» تقدیم مزار شده است.»^{۲۳}
 در بالا سر قبر شیخ، سنگ افراشته سفید رنگی قرار
 دارد که بر روی آن به خط ثلث زیبایی این عبارات نوشته
 شده است (تصویر ۳):

الحمدُ لِمَنْ جعل زین الدین منوطاً بالأعمال
 الصالحات و الصلوة علی نبيه محمّد المحمود بالسنة (؟)
 المیا من و البرکات و علی اله اصحاب الذیوان الحقیقة و
 صدوریه (؟) ایوان الشریعة و الطریقه بعد فغیر حاف (؟) علی



تصویر ۳) سنگ افراشته مربوط به قبر یکی از وزراء

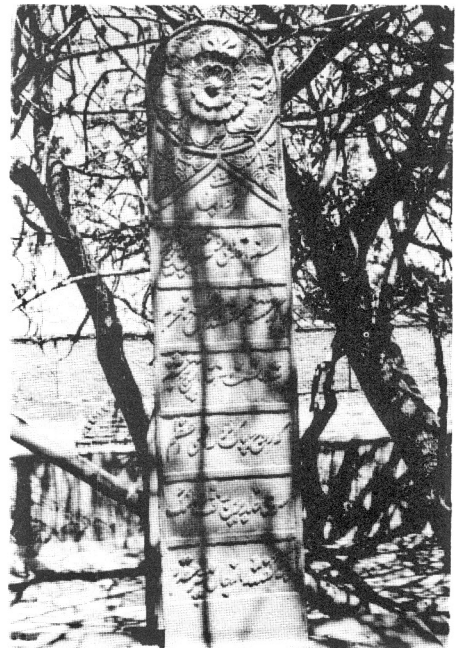
گرفته است فاقد لوح می باشد ولی «محمد علی منشی» به قبری اشاره می کند، (گویا منظورش همین قبر باشد) که بر لوح آن نوشته بوده اند:

«هوالباقی وفات المرحوم المغفور المبرور
الواصل الی جوارا الملک الصمد الهادی مولانا قطب
التملة و الدین محمد ابن جناب مغفرت پناه (ه) خواجه
نورالدین تایادی فی شهر ربیع الاول سنه خمس و
ثمانین و تسعمائة و جعل الجنة مثواه، القبر صندوق
العمل»^{۲۵}

۴) بقعه شیخ زین الدین ابوبکر

در مقابل مزار شیخ زین الدین ابوبکر، بنای رفیعی قرار گرفته است که شامل ایوانی بلند باطاق آهنگ، دو حجره دو اشکوبه در طرفین و گنبد خانه ای در پشت ایوان می باشد. (تصویر ۱۰، شکل ۲) سراسر نمای بیرونی و داخلی

۲۵- همان مأخذ، ص ۱۱۱-۱۱۲.



تصویر ۲) سنگ افراشته بالا سر مزار مولانا زین الدین ابوبکر

در پشت همان سنگ به خط درشت نوشته شده است:

«الحکم لله العلی الکبیر»

همان طور که در متن کتیبه آمده است، این لوح متعلق به قبر یکی از وزراء به نام «خواجه زین الدین محمود بن خواجه صدر الدین محمد الخوافی» بوده است که قبر او احتمالاً در همین جاست (اگر سنگ جا به جا نشده باشد).

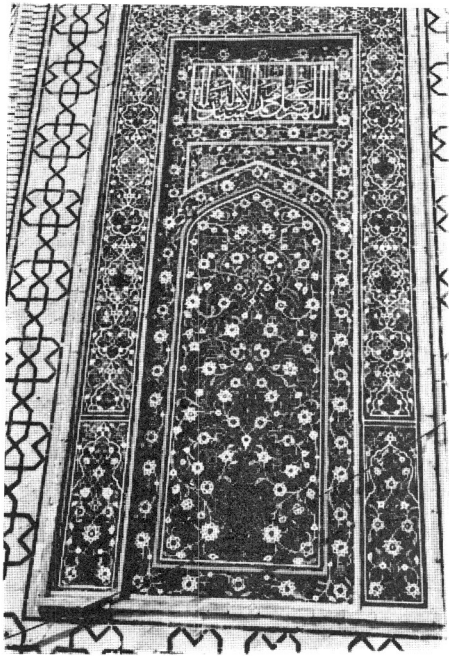
علاوه بر اینها دو قبر دیگر نیز در داخل صحن، برجسته تر از سایر قبور ساخته شده اند یکی از آنها که در انتهای صحن واقع شده و در کنار آن نیز درختی روئیده است دارای سنگ قبری، مشابه سنگ قبر مزار مولاناست که بر روی آن چنین نوشته شده است:

... شیخ... الرحیم ابن حضرت قطب الاقطاب
مولانا شیخ زین الدین ابابکر تا یبادی بتاریخ ۱۷ ماه
رجب ۷۸۲ (۷۸۷).

که به نظر می رسد مربوط به یکی از فرزندان شیخ

باشد.

قبر دیگری که در کنار محجر مرقد مولانا قرار



تصویر ۴) کتیبه دو خطی جرز سمت راست ایوان

که در بالای این کتیبه نیز دوبار عبارت «الملک لله» به خط کوفی نوشته شده است.

از بالای قاب تزئینی سمت راست، کتیبه دو خطی ایوان شروع می‌شود، این کتیبه با کاشی معرق بدون لعاب و بر زمینه‌ای از کاشی معرق فیروزه‌ای رنگ نوشته شده است، که در آن چشم حروفی مانند: «ص، ض، ط، ظ، ح، خ، م، ع، ف...» را با کاشی لاجوردی پر کرده‌اند. قسمت عمده این کتیبه که شامل سوره کهف (۱۸) آیات ۱-۱۱ بوده، از بین رفته است و بخش باقی مانده آن از این قرار می‌باشد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَتِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا... أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا إِذَا وَى الْقَهْفُ فَحَالُوا رَبَّنَا إِنَّا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا فَضَرَبْنَا عَلَىٰ أذَانِهِمْ فِي

ایوان و طاقنمای مقابل حجره‌ها را با کاشیهای نره فیروزه‌ای و لاجوردی رنگ و کاشی معرق آراسته‌اند و ازاره ایوان، طاقنمای حجره‌ها و گنبد خانه را به صورت گره‌سازی، با تلفیق سنگ و کاشی معرق، تزئین نموده‌اند.

اگر چه O'KANE این بنا را به تفصیل مورد مطالعه قرار داده^{۲۶} لیکن به کتیبه‌های آن توجه چندانی ننموده و فقط در برخی موارد به مقاله محمد تقی مصطفوی، استناد نموده که اثر مزبور نیز به کتیبه‌های دو خطی بنا اختصاص داشته و به کتیبه‌های بنائی آن اشاره‌ای نکرده است، از اینرو در این نوشته، ضمن بر طرف نمودن اشکالات اثر فوق، کتیبه‌های بنائی این بنا را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

به طور کلی کتیبه‌های این بنا که بیشتر زینت بخش نما، داخل ایوان و طاقنمای مقابل هر یک از حجره‌های طرفین آن می‌باشند به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست کتیبه‌های دو خطی ثلث - کوفی، از کاشی معرق و دیگری کتیبه‌های بنائی از کاشی نره.

۱) کتیبه‌های دو خطی ثلث - کوفی، که با استفاده از کاشی معرق بدون لعاب یا با لعاب سفید رنگ بر زمینه‌ای فیروزه‌ای یا لاجوردی نوشته شده‌اند و شامل آیاتی از قرآن مجید، صلوات بر محمد (ص)، تاریخ ساخت و نام بانی بنا می‌باشد که به تفصیل از این قرار هستند.

در جرزهای ایوان، بلافاصله بعد از ازاره آن، در هر طرف یک قاب تزئینی از کاشی معرق با نقش گلدان و گل‌های اسلیمی وجود دارد که در بالای هر یک از آنها کتیبه‌ای دو خطی (ثلث - کوفی) به رنگ سفید و طلائی دیده می‌شود که متن هر کدام از آنها چنین است:

سمت راست، خط ثلث:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْوَالِيِّينَ» (تصویر

۴)

و در بالای آن به خط کوفی عبارت «الملک لله» دو

بار تکرار شده است.

سمت چپ، خط ثلث:

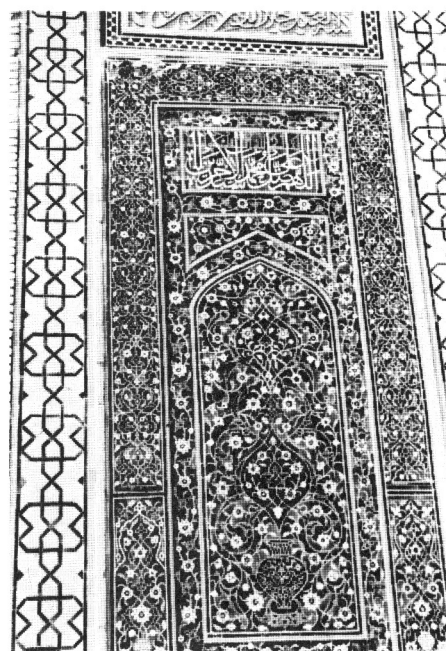
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ» (تصویر ۵)

See: O.Kane.B. "Taybad, Turbat-i-Jam and ۲۶

Timurid Vaulting» Iran XVIII(1979), PP.87-104.

عدلاً وفضلاً معین اهل الحق^{۳۴} و الایمان شاه رخ بهادر
خان خلدالله سلطانه بسعی و اهتمام العبد الملک
الخلاق الوافی بیر (پیر) احمد بن اسحق الخوافی^{۳۵}
۰۸۴۸. (تصویر ۷)

در بالای این کتیبه، عبارت «الملک لله» به خط
کوفی و به رنگ طلائی نقش بسته است. در دیوارهای
جانبی داخل ایوان نیز، در وسط دو کتیبه بنائی بزرگ، دو
کتیبه دو خطی از کاشی معرق، به خط ثلث سفید و کوفی
طلائی بر زمینه‌ای لاجوردی رنگ و در داخل دو مربع،
نوشته شده است که شروع آن از لوح سمت راست و این
چنین می‌باشد:



تصویر ۵) کتیبه دو خطی جرز سمت چپ ایوان

۲۷- مصطفوی این کتیبه را چنین خوانده است: «کتبه العبد الاحقر

جلال الدین محمد بن جعفر» که کلمه «بن» حد فاصل «جلال الدین» و
«محمد» را حذف کرده است، رک به: آثار ایران، جلد ۱، ص ۱۶۶ - نمونه
مشابه این کتیبه را، که از کاشی بدون لعاب ساخته شده است، می‌توان در
مسجد «بی بی خانم» در سمرقند دید رک به:

Golombek, L. & D. Wilber. The Timurid Architecture of Iran and
Turan. Vol.2. PL 69-70.

۲۸- مصطفوی این کلمه را «الراسخه» خوانده است. پیشین، ص

۱۶۶.

۲۹- محمد علی منشی در این قسمت چنین نوشته است: «... حب

العلماء الراسخين و سناديد (سنادید) المتقين منهم...» رک به: سفرنامه رکن
الدوله، ص ۱۰۹.

۳۰- مصطفوی و محمد علی منشی این کلمه را «الوارع» نوشته‌اند.

رک به: آثار ایران جلد ۱، ص ۱۶۶، سفرنامه رکن الدوله، ص ۱۰۹.

۳۱- مصطفوی این کلمه را «نورالحق» خوانده است پیشین

۳۲- محمد علی منشی چنین نوشته است: «... اعلى الله در جاته...»

«پیشین.

۳۳- مصطفوی این قسمت را چنین نوشته است: «... قد تيسر بناء هذه»

پیشین.

۳۴- محمد علی منشی آن را «معین الحق» خوانده است. پیشین

۳۵- محمد علی منشی چنین آورده است: «... پیر احمد ابن اسحق

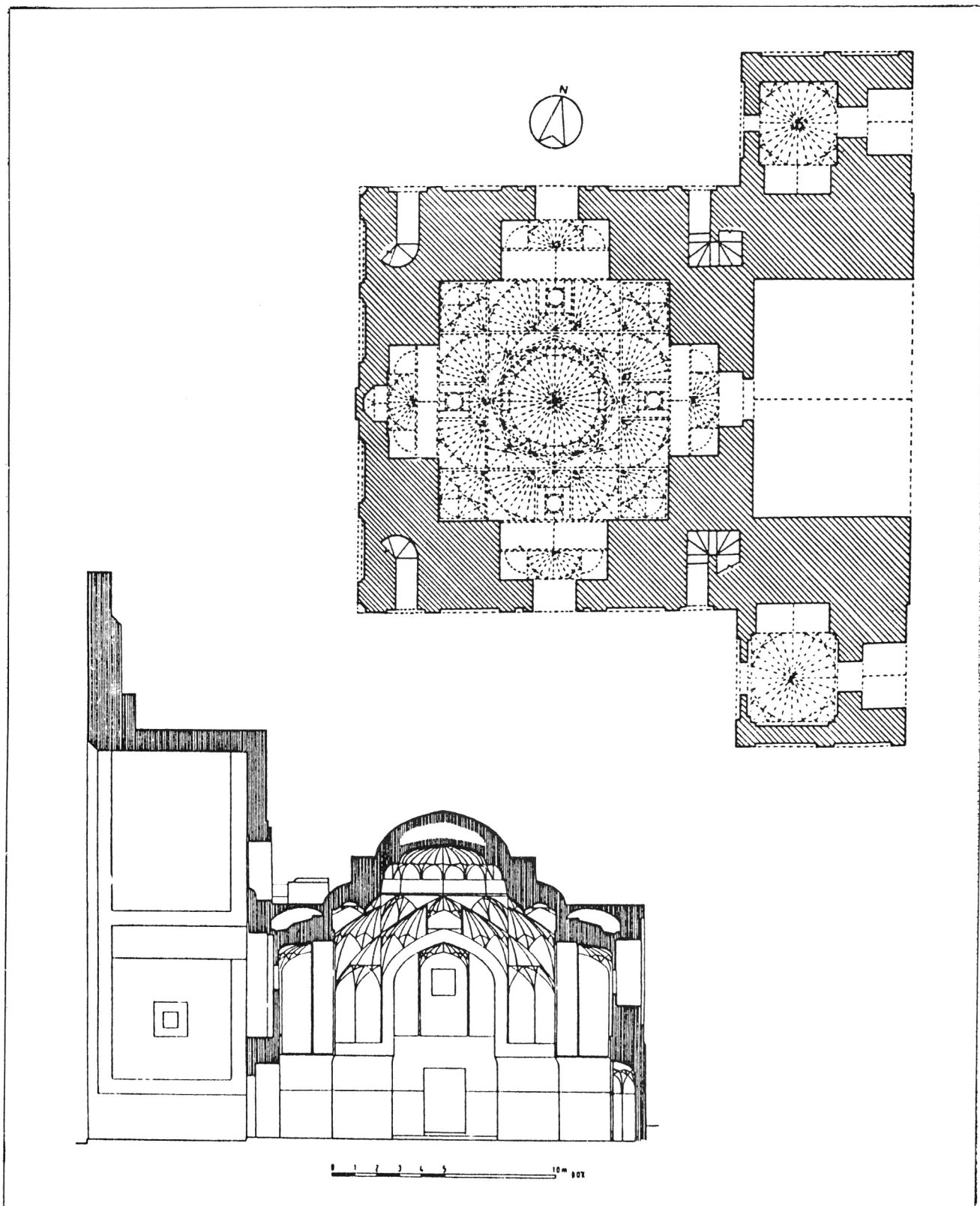
ابن مجد الدین محمد الخوافی» پیشین ص ۱۱۰.

الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا وَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمَ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ
الْكَرِيمُ كَتَبَهُ الْعَبْدُ الْإِحْقَرُ جَلال الدین محمد بن
جعفر»^{۳۷} (تصویر ۶)

در بالای این کتیبه عبارت «الملک لله» به خط
کوفی تکرار شده است.

در کمرگاه داخل ایوان نیز کتیبه‌ای دو خطی، به خط
ثلث سفید و کوفی طلائی و بر زمینه‌ای از کاشی معرق
لاجوردی رنگ با گل‌های اسلیمی، نوشته شده است که از
سمت راست ایوان شروع و سه جانب داخل آن را طی
می‌کند و متن آن به شرح ذیل است:

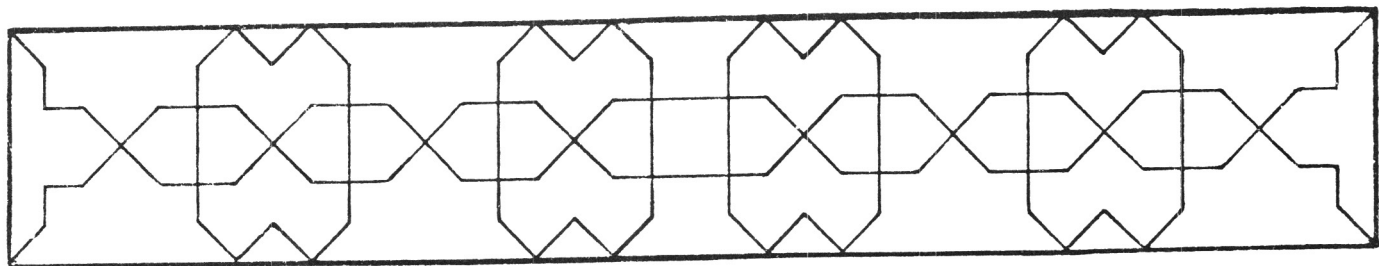
الحمد لله على ما اوصل البناء بمحبة الاولياء و
الصلوة على حبيبه احمد المحمود و آله الاتقياء و بعد
فان المنجي بعد الكشف و اليقين من وسائل النجاة يوم
الدين حب العلماء الراسخين^{۲۸} و الفضلاء المتقين^{۲۹}
العالم العامل الرباني الورع^{۳۰} الصمداني زين الحق^{۳۱} و
الشريعة و التقوى و الدين اعلى الله في مقامه^{۳۲} اعلى
عليين فتأسيس^{۳۳} هذه البقعة الشريفة في أيام دولة
الخليفة اعظم الخواقين ملكاً و قدراً و اشرف السلاطين



شکل ۲- مقطع و پلان بقعه زین الدین ابوبکر تا یادی (از O'KANE)



بقعه زین‌الدین ابوبکر تایبادی در تایباد



شکل ۳- طرح گره سازی حواشی کتیبه دو خطی بزرگ ایوان، طرح از نگارنده

احوج^{۴۱} خلق الله تبارک و تعالیٰ الی رحمة ربّه
المجید الوافی بیراحمد بن اسحق بن مجد الدّین محمّد
الخوافی احسن الله آلاوه^{۴۲} وجلّت^{۴۳} احواله فی سنة
ثمان و اربعین و ثمانمیه^{۴۴}. (تصویر ۹)
در بالای کتیبه ثلث هر دو لوح، عبارت «دَامَ لَكَ
العَزْ وَ التَّبَا»^{۴۵} به خط کوفی طلائی نوشته شده است.

«اما بعد فَقَدْ تیسر بنا هذا»^{۳۶} (کذا) العمارة
المباركة الشريفة فی ایام دولة زينها الله تعالى
بسلطنة^{۳۷} (کذا) السلطان الاعظم و الخاقان المعظم
سلطان سلاطين العرب و العجم شاه رخ بهادر سلطان
خلد الله تعالى اساس^{۳۸} قصر سلطنة (کذا) و خلافتة^{۳۹}
(کذا) و اعلى امره و شأنه. (تصویر ۸)
ادامه این کتیبه در لوح مقابل آن، در سمت چپ
ایوان، چنین آمده است:

«ما تثنى الفرقدان و شید ارکان بنیان عظمته و
ابهته»^{۴۰} ما تعاقب الملوان بسعی العبد الضعیف النحیف

۳۶- مصطفوی و محمدعلی منشی این کلمه را هذه نوشته اند: آثار

ایران، جلد ۱، ص ۱۷۰، سفرنامه رکن الدوله، ص ۱۱۰.

۳۷- مصطفوی و منشی، این کلمه را «بسلطنة» نوشته اند، همان

مآخذ، همان صفحات.

۳۸- مصطفوی این واژه را اساتین و محمدعلی منشی اثاث ثبت کرده

اند. همان مآخذ، همان صفحات.

۳۹- محمدعلی منشی «خلافة» خوانده است سفرنامه رکن الدوله،

ص ۱۱۰.

۴۰- منشی «ابهة» نوشته است پیشین.

۴۱- مصطفوی، کلمه «النحیف» را جا انداخته است. پیشین ص

۱۷۱، و محمدعلی منشی نیز «احوج» را «اجوع» خوانده است همان مآخذ،

همان صفحه.

۴۲- مصطفوی این واژه را آلاه ثبت کرده است، همان مآخذ همان

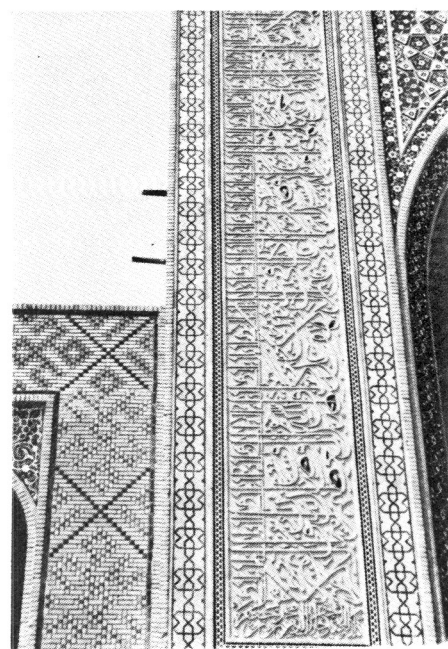
صفحه.

۴۳- محمدعلی منشی به جای «جلت حجب» نوشته است، پیشین.

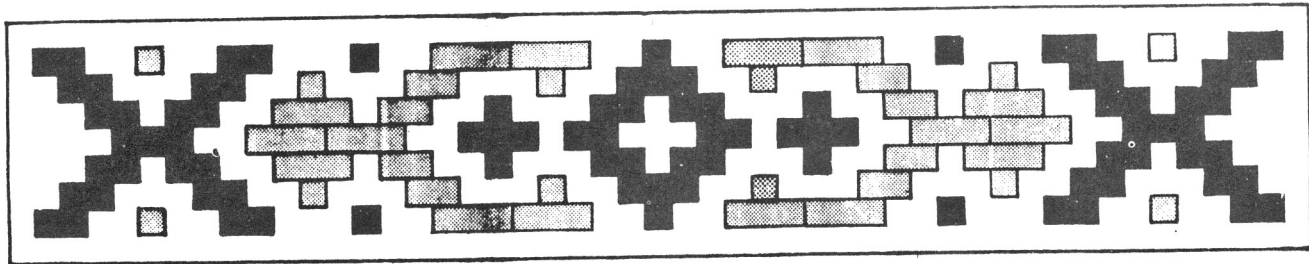
۴۴- محمدعلی منشی چنین آورده است. ثمانمائه ۸۴۸ پیشین.

۴۵- مصطفوی این کتیبه را به اشتباه «الله اکبر» خوانده است

پیشین.



تصویر ۶) بخشی از کتیبه دو خطی بزرگ نمای ایوان و نام کتیبه نویس



شکل ۴- طرح کاشیکاری حواشی کتیبه‌های بنائی داخل ایوان، طرح از نگارنده

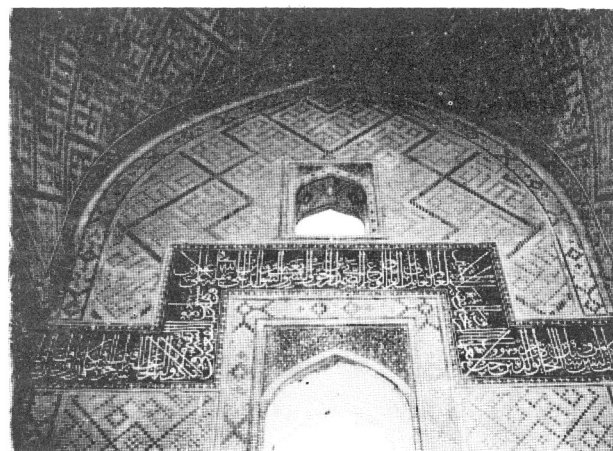
تمامی این کتیبه‌ها را کادری از کاشیکاری زیبایی به شیوه معقلی تزئین می‌کند. (تصویر ۸، ۹ شکل ۴) داخل ایوان: نخست باید از کتیبه‌های بنائی قرینه دیوارهای طرفین داخل ایوان یاد کرد که از بالای از اره شروع و در زیر کتیبه دو خطی کمرگاه، که شرح آن گذشت، پایان می‌یابند. متن آنها شامل قسمتی از دعای «عشرات» و چنین می‌باشد:

«سبحان ذی الملک و الملک [وت] سبحان ذی العزت و العظمت و القدره و الکبریا (کذا) و الجبروه، سبحان ذی الملک.» (تصویر ۸-۹، شکل ۵)

قرینه این کتیبه در جبهه مقابل آن دیده می‌شود. دیگر کتیبه‌های متقارن زیر طاق می‌باشند که از این قرار هستند:

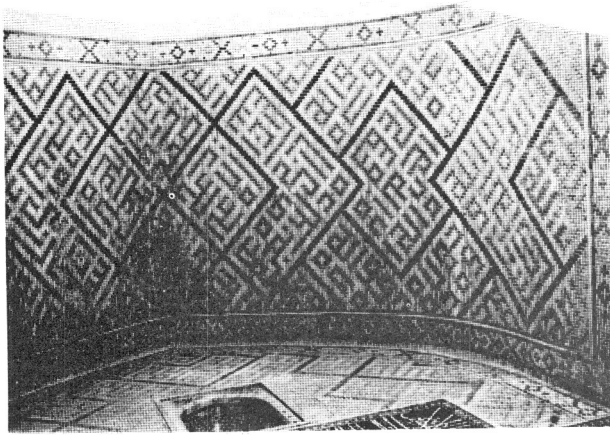
«یا حی یا قیوم» (شکل ۶) «یا احدیا صمد» (شکل ۷)

۲) کتیبه‌های بنائی: این کتیبه‌ها که آذین کننده تمامی سطوح داخلی ایوان و طاقنمای مقابل هر یک از حجرات طرفین ایوان می‌باشند، با کاشیهای نره لاجوردی و فیروزه‌ای رنگی به ابعاد ۵ - ۴/۵ × ۴ - ۴، ۶ - ۵/۵ × ۴/۵ - ۴، ۴/۵ × ۱۰ - ۴ سانتی متر و بر زمینه‌ای آجری کار شده‌اند و هر حرف آنها از یک ردیف کاشی لاجوردی در وسط - که در وسط آنها مربعی به ابعاد ۱ × ۱ سانتی متر از لعاب آن تراشیده‌اند^۶ - و دو ردیف کاشی فیروزه‌ای در طرفین آن تشکیل شده‌اند و حواشی کتیبه‌ها را، کادرهایی از کاشی لاجوردی رنگ با طرح مربع و مستطیل‌های متداخل، احاطه کرده‌اند که از این حیث قابل مقایسه با برخی از بناهای معاصر خود نظیر: «مدرسه غیاثیه خرگرد خواف»^۷، «مسجد گوهر شاد در مشهد»^۸ و بویژه «مسجد جامع تیمور (بی بی خانم) در (سمرقند)»^۹ می‌باشد. حواشی

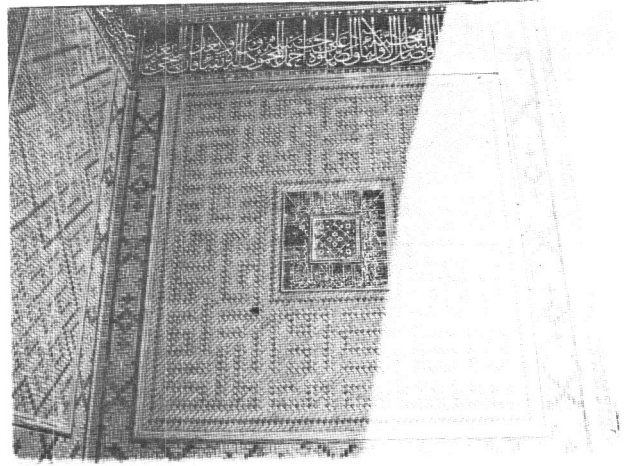


تصویر ۷) بخشی از کتیبه دو خطی کمرگاه ایوان

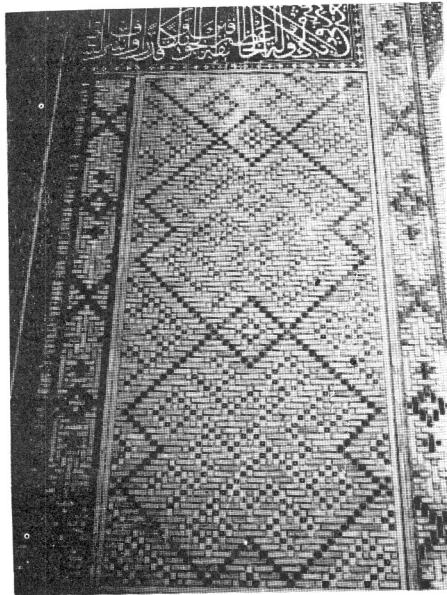
۶- O KANE نمونه‌های مشابه در مسجد کبود تبریز (۸۷۰ هـ) را تقلیدی از این نوع می‌داند:
See.Taybad,P.89.
See.B.OKANE.The Madrasa al-Ghiyasiyya at Khargird
Iran XIV(1976).PP.79-92.
See. Idem. «Timurid Architecture In khurasan.
Costa Meza, 1987, PP 119 - 130.
See.The Timurid Architecture Of Iran and Turan.Vol.2.۴۹
PL.69-70.



تصویر ۱۰) قسمتی از کتیبه‌های بنایی زیر قوس ایوان.



تصویر ۸) کتیبه معلقی بزرگ و کتیبه دو خطی داخل ایوان، سمت راست.



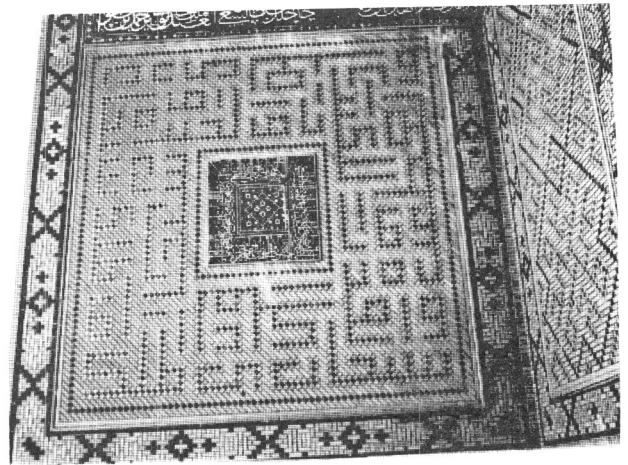
تصویر ۱۱) یکی از دو کتیبه طرفین درب ورودی گنبد خانه.

«محمد» (که در حرف «م» وسط مشترک هستند) نقش بسته است. (تصویر ۱۱، شکل ۱۲، ۱۳)

در بالای کتیبه دو خطی کمرگاه ایوان، این کلمات خودنمایی می‌کنند:

«الله» و «الله، محمد، الله» (تصویر ۷، شکل ۱۴، ۱۵)

شایان ذکر است که تنها راه دسترسی از ایوان به داخل گنبد خانه از طریق درب نفیس منبت کاری شده

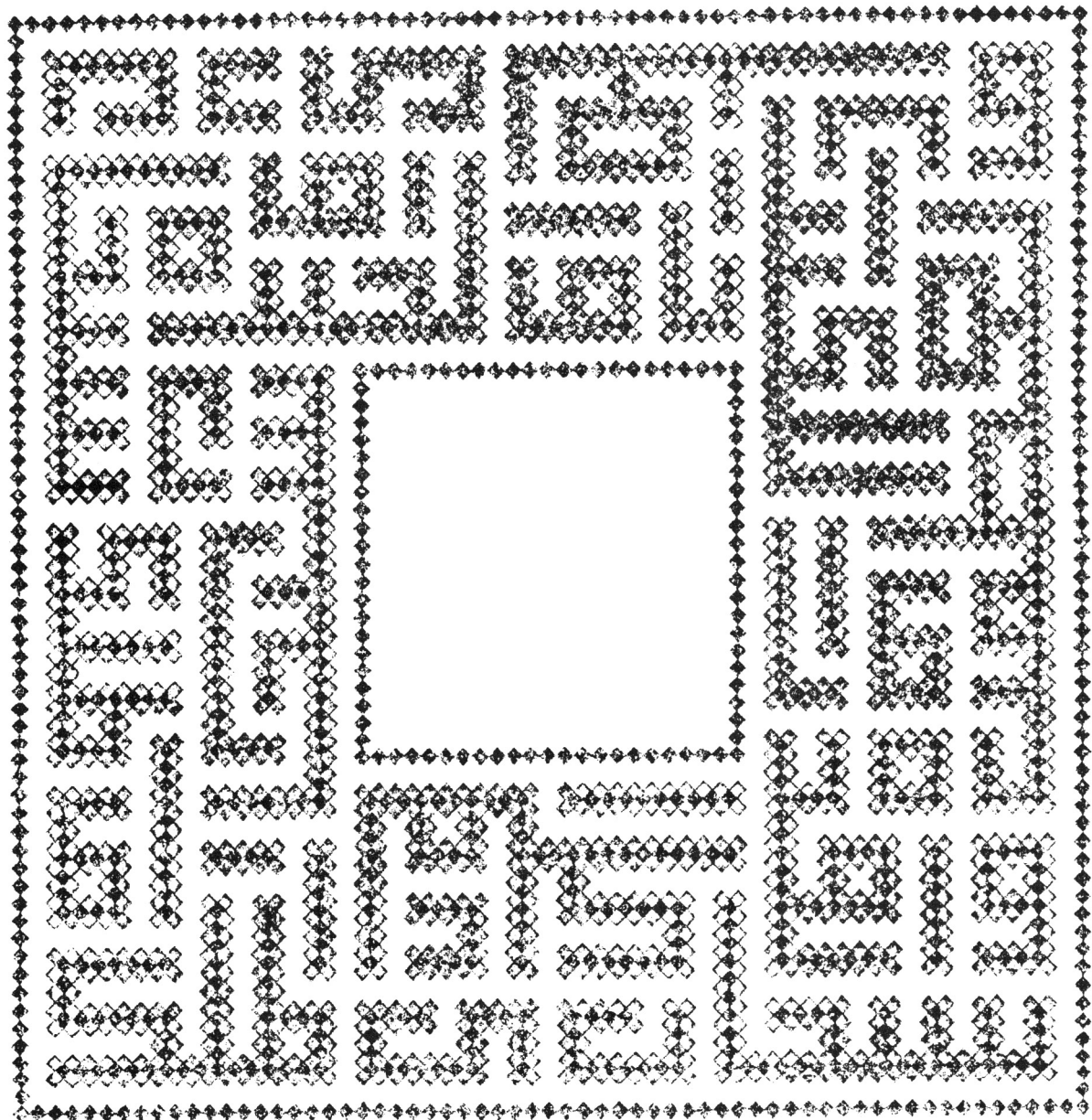


تصویر ۹) کتیبه معلقی بزرگ و کتیبه دو خطی داخل ایوان، سمت چپ.

«یا علی الاعلی» (شکل ۸) «لا اله الا الله محمد نبی الله» (شکل ۹)

«سبحان ربی الاعلی و بحمده» (شکل ۱۰) «و لا اله الا الله و الله اکبر» (شکل ۱۱) (تصویر ۱۰)

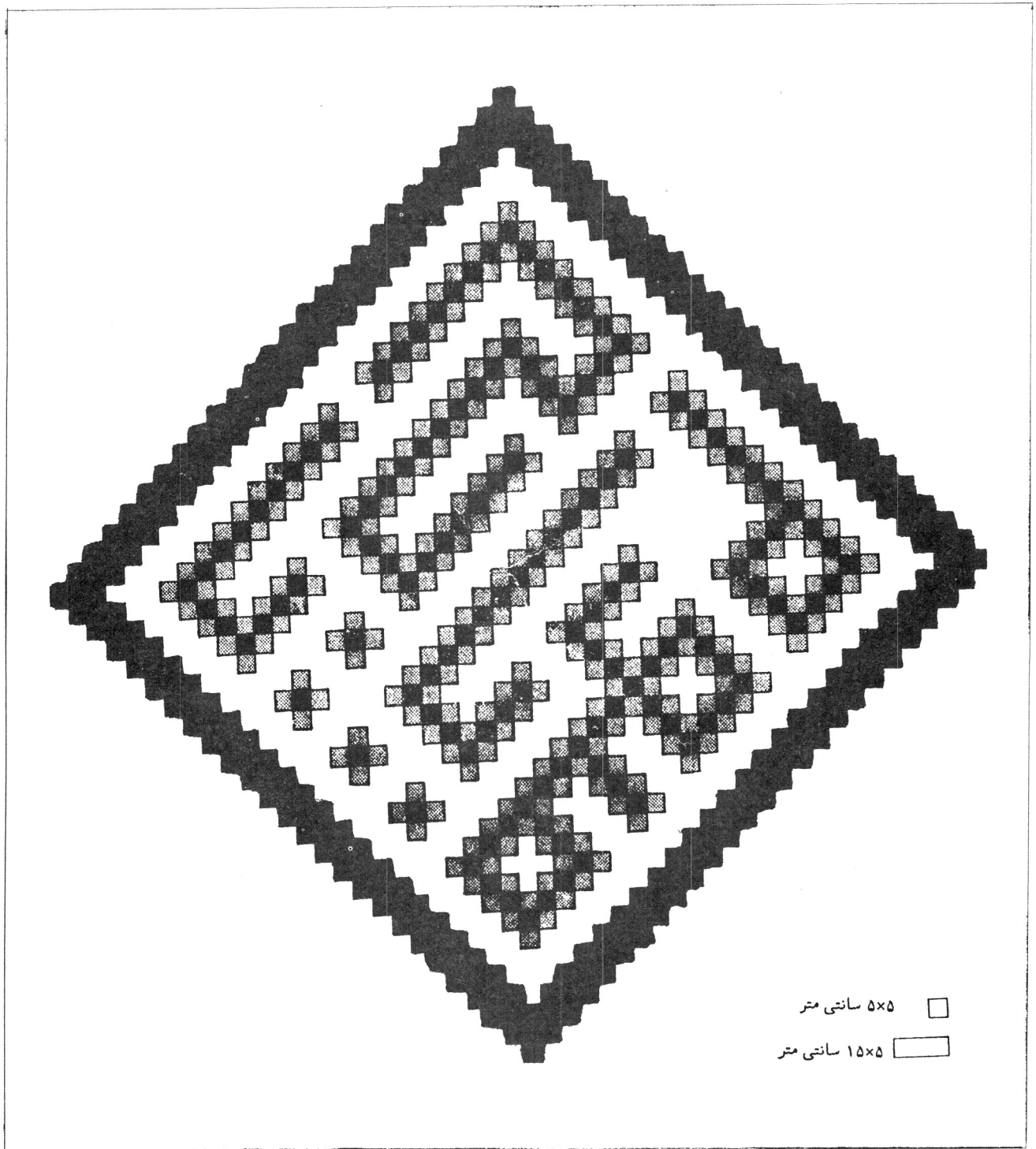
علاوه بر اینها در دیوار انتهائی ایوان، در طرفین درب ورودی گنبد خانه و بالای آن، پس از کتیبه کمرگاهی نیز کتیبه‌های بنایی دیگری وجود دارد که قرینه یکدیگر می‌باشند. در طرفین درب ورودی در هر طرف یک بار کتیبه‌ای متشکل از چهار کلمه «الله» و چهار کلمه



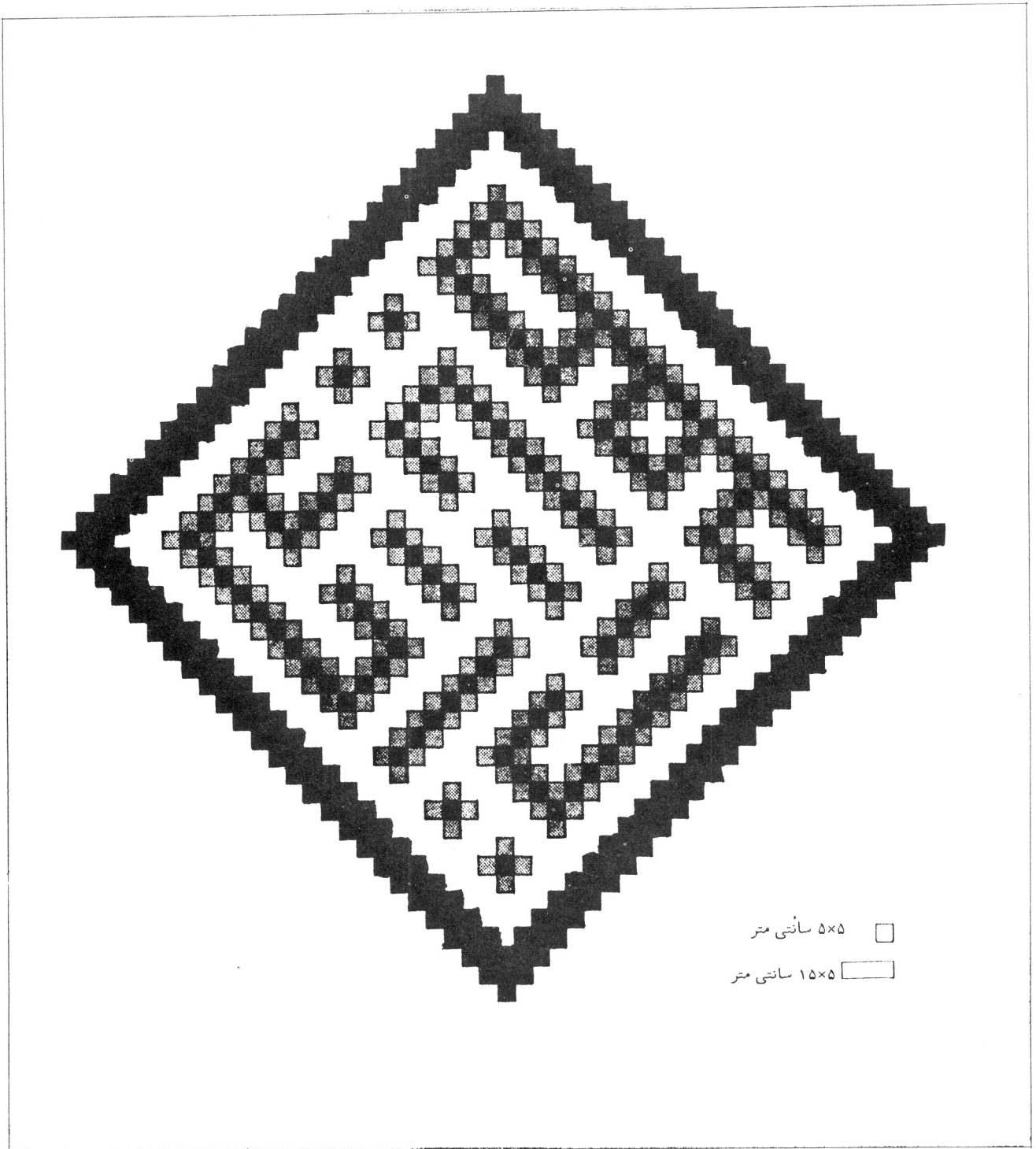
□ ۵×۵ سانتی متر

شکل ۵- تا یباد کتیبه معقلی طرفین داخل ایوان بقعه زین الدین ابوبکر تا یبادی.

«دعای عشرات» طرح از: نگارنده

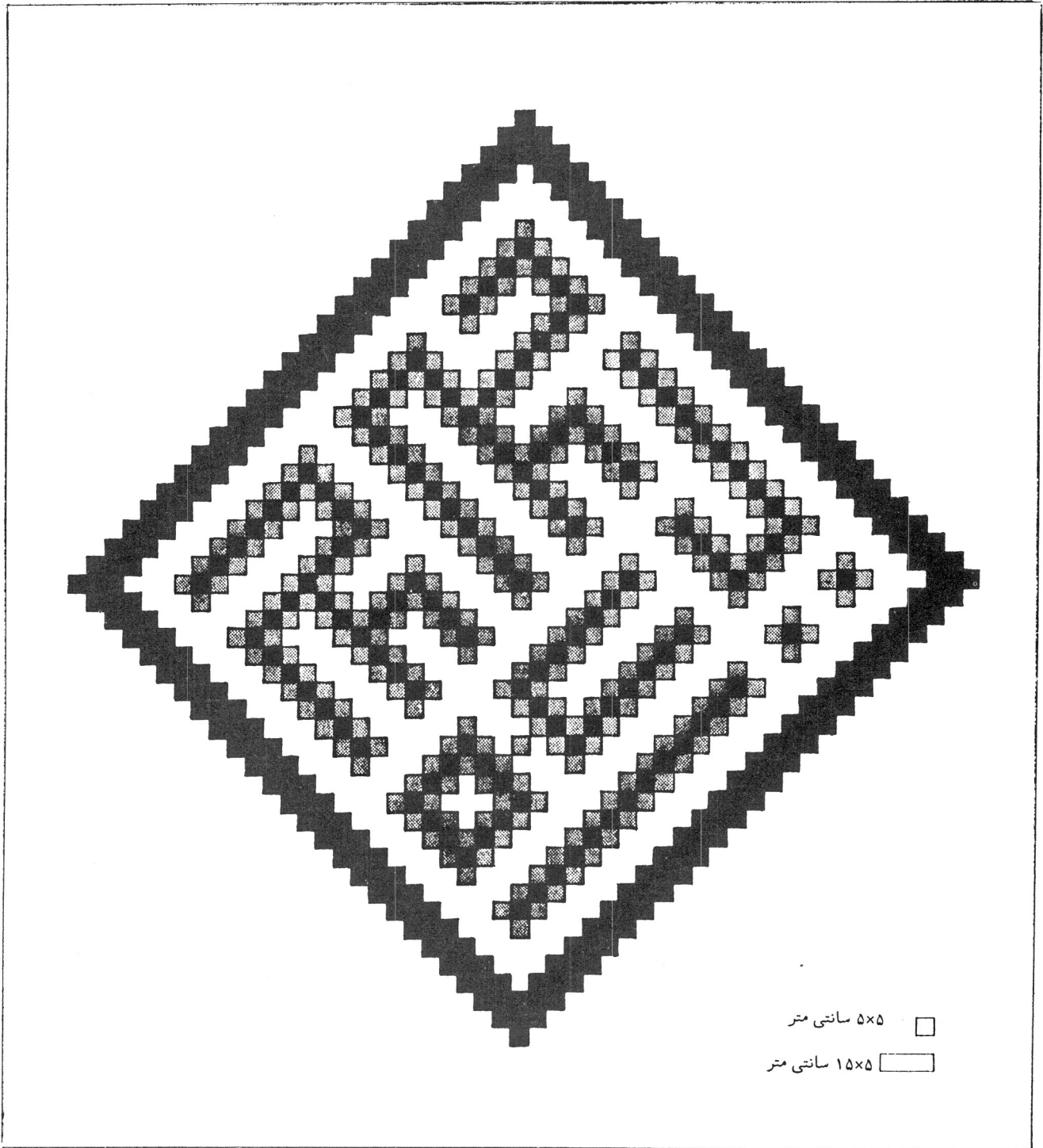


شکل ۶- کتیبه معقلی زیر طاق ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «یا حی یا قیوم»
 طرح از: نگارنده



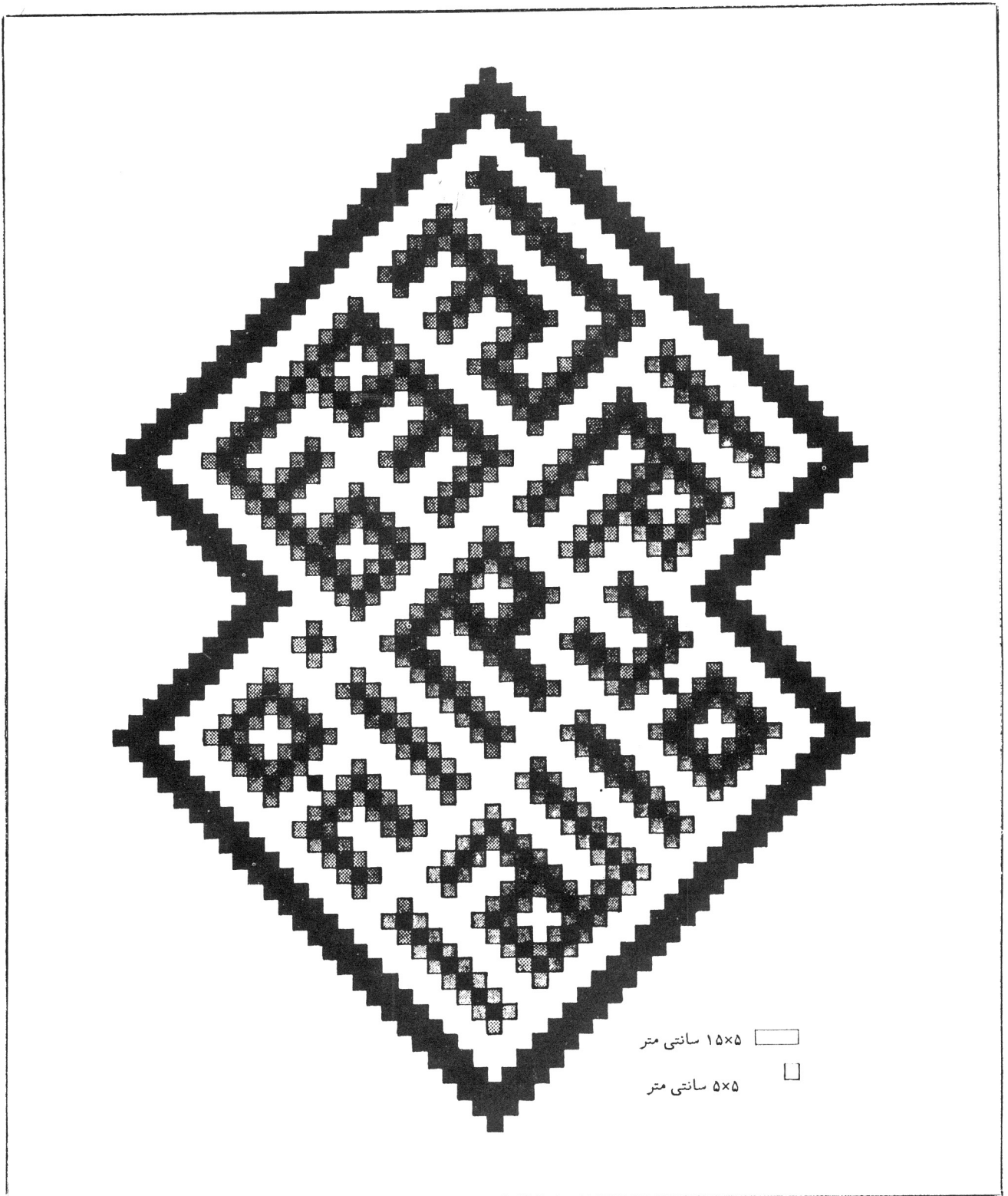
شکل ۷- تا یباد کتیبه معقلی زیر طاق ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «یا احد یا صمد»

طرح از: نگارنده

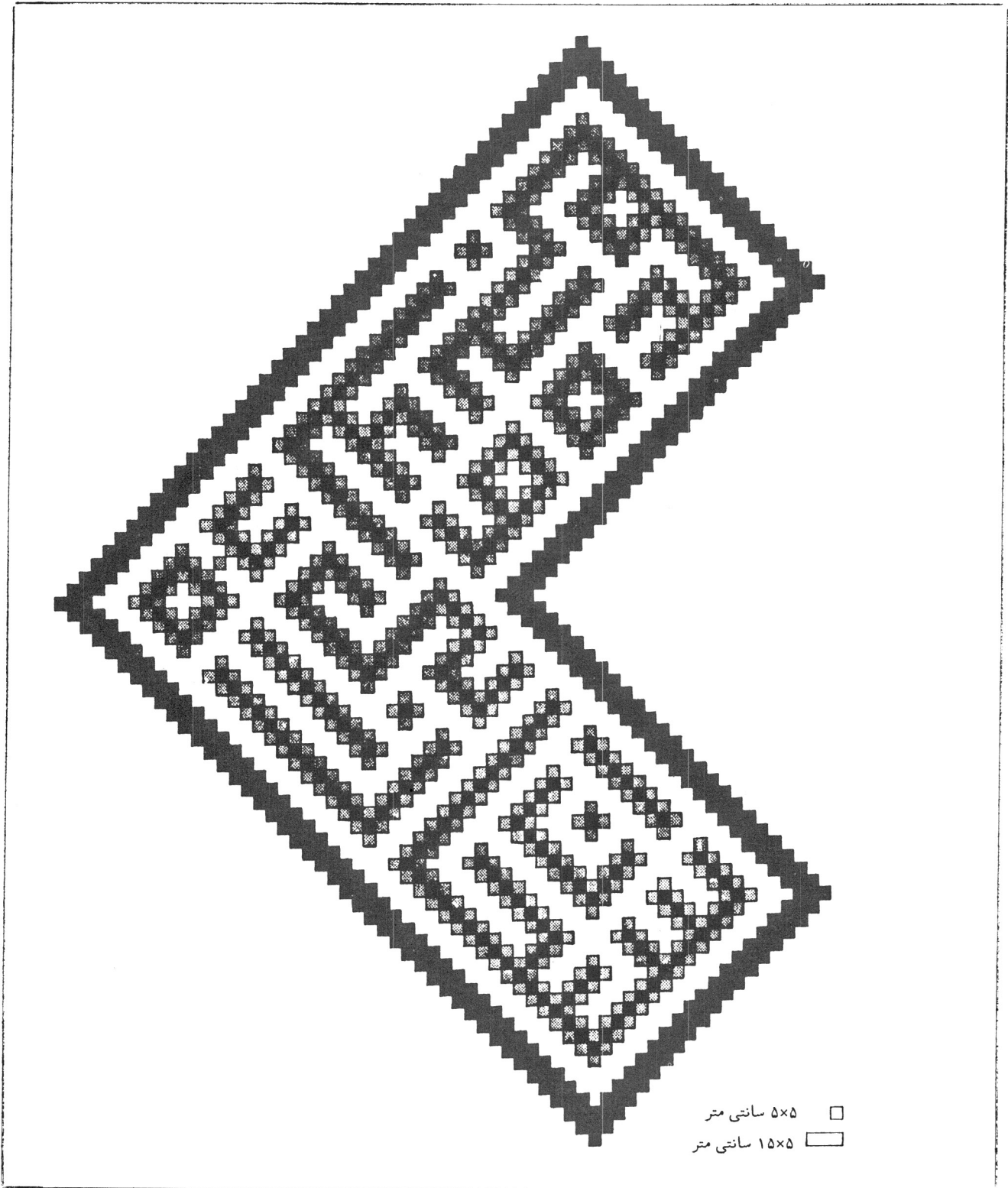


شکل ۸- تا یباد کتیبه معقلی زیر طاق ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «با علیُّ الأعلیٰ»

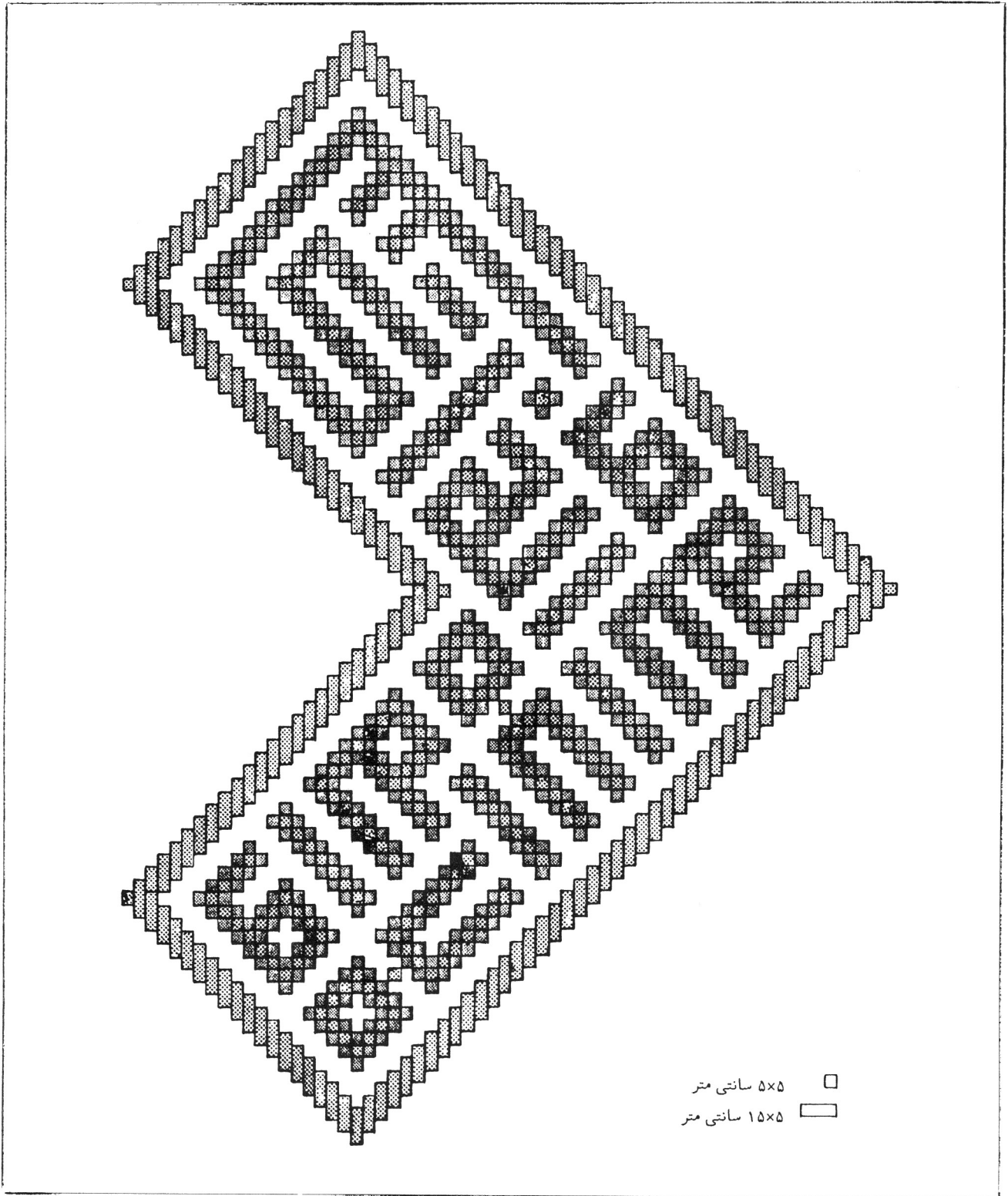
طرح از: نگارنده



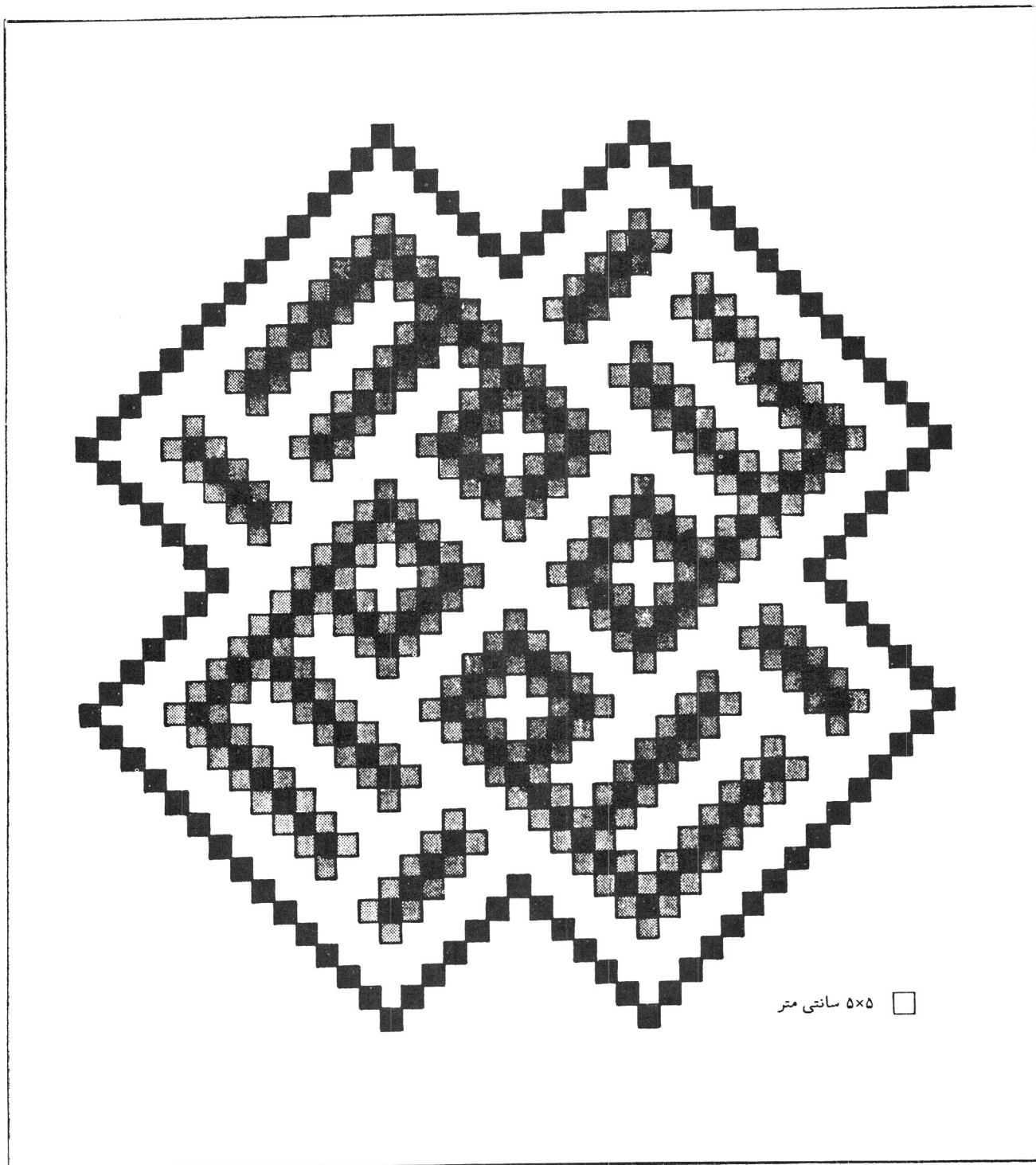
شکل ۹- تا ییاد کثیبه معقلی زیر طاق ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «لااله الاالله محمد نبی الله» طرح از: نگارنده



شکل ۱۰- تا ییاد کتیبۀ معقلی زیر طاق ایوان بقعۀ زین الدّین ابوبکر «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» طرح از: نگارنده

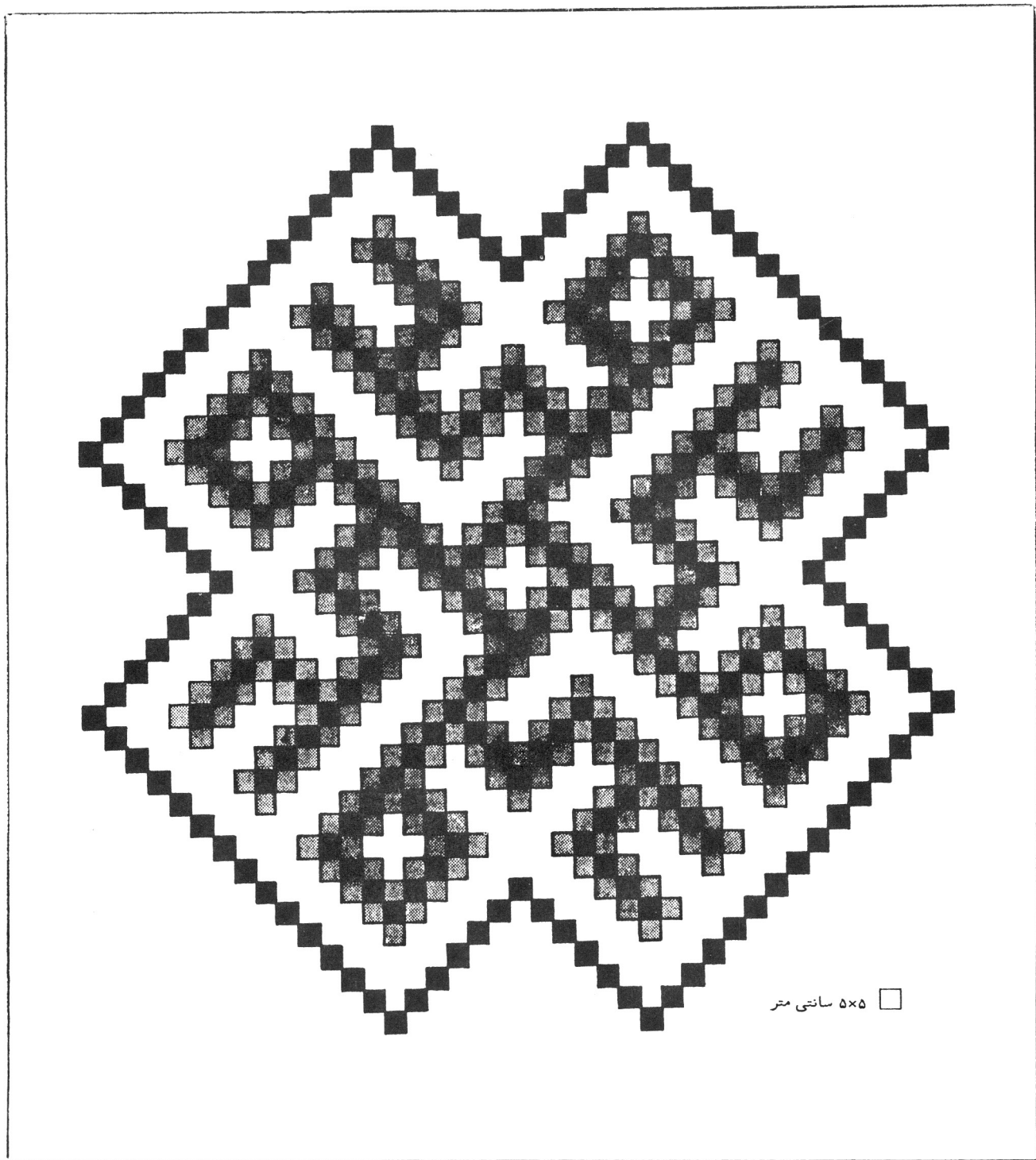


شکل ۱۱- تا بیاد کتیبه معقلی زیر طاق ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «لااله الاالله و الله اکبر» طرح از: نگارنده

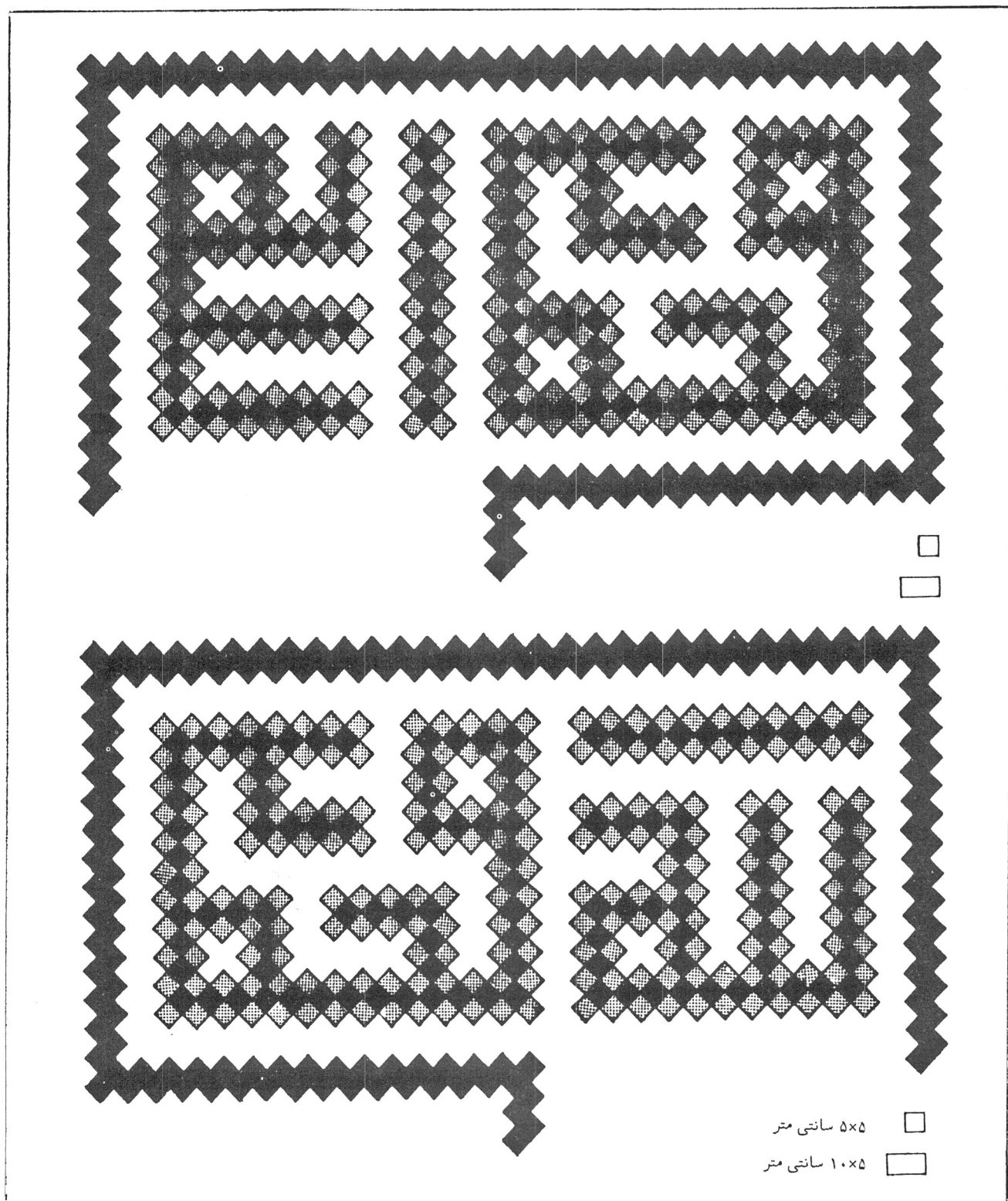


شکل ۱۲- تابلو کتیبه معلی داخل ایوان (طرفین ورودی گنبد خانه) بقعه زین الدین ابوبکر

«الله» چهار بار، طرح از: نگارنده

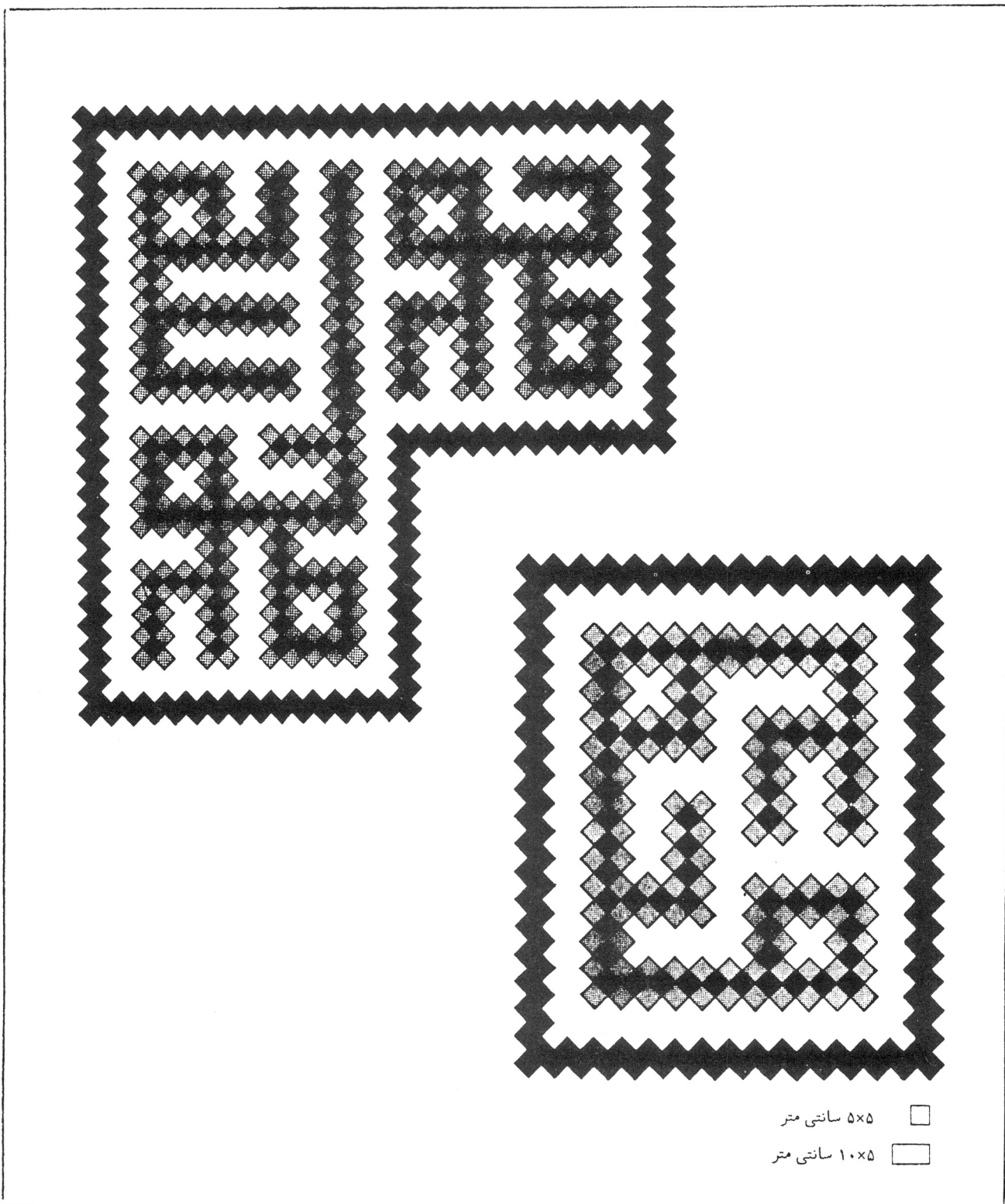


شکل ۱۳- تا بیاد کتیبه معقلی داخل ایوان (طرفین ورودی گنبد خانه) بقعه زین الدین ابوبکر
«محمد» چهار باره طرح از: نگارنده



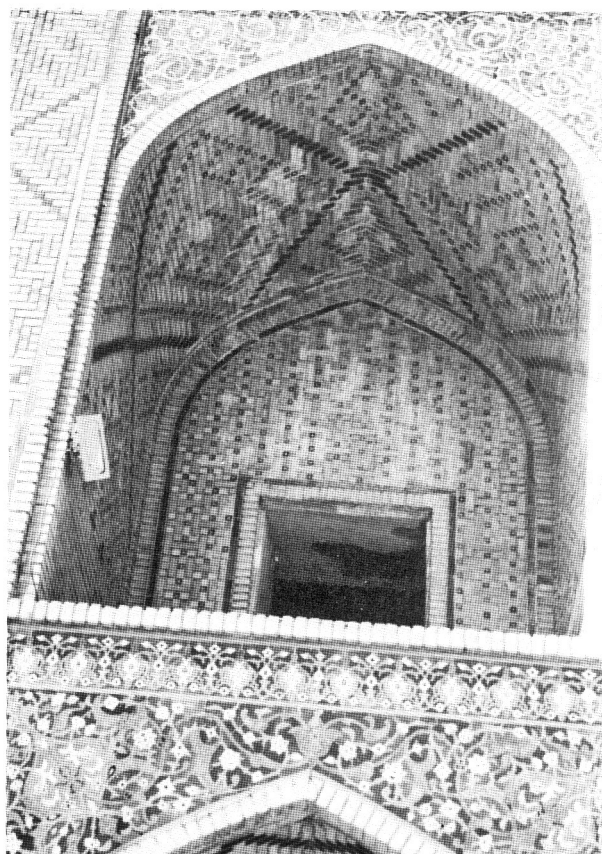
شکل ۱۴- تا ییاد کتیبه معقلی بالای دیوار انتهایی ایوان بقعه زین الدین ابوبکر (محمد الله)

طرح از: نگارنده



شکل ۱۵- تا ییاد کتیبه معقلی بالای دیوار انتهایی ایوان بعقہ زین الدین ابوبکر «محمد، الله»

طرح از: نگارنده



تصویر ۱۳) کتیبه‌های داخل یکی از دو طاقنمای اتاقهای، طبقه دوم طرفین ایوان.

حجره‌ها در هر طرف ۱۰ بار کتیبه‌ای که متشکل از دو کلمه «محمد» است بکار رفته است (تصویر ۱، شکل ۱۶)، کتیبه‌های داخل طاقنماهای مقابل این اتاقها نیز با کتیبه‌های بنائی مشابه تزئین شده است. در زیر قوس طاقنماهای اتاقهای طبقه دوم دو بار از کلمات «الله» و «الحمد لله/لله الحمد» استفاده شده است. (تصویر ۱۳، شکل ۱۷)

در زیر قوس طاقنماهای حجرات طبقه اول، که آنها نیز مشابه یکدیگر می‌باشند. یک بار دو کلمه «الله» که در حرف «ه» مشترک هستند و دوبار دو کلمه «صمد» و دو مرتبه یک کلمه «الله» را بکار برده‌اند. (تصویر ۱۴، ۱۵،

زیبائی است که در این قسمت از ایوان تعبیه شده است متأسفانه لنگه سمت راست آن از بین رفته است و به جای آن لنگه درب دیگری را نصب کرده‌اند. اما در بالای لنگه سمت چپ آن این کتیبه به خط ثلث نوشته شده است:

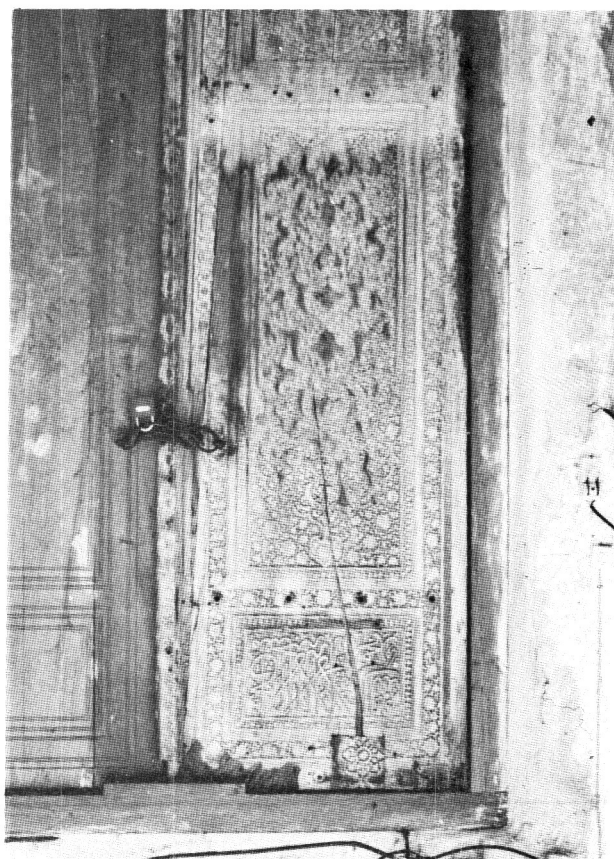
«مفتاح الجنة لاله الا لله، محمد رسول الله»

(تصویر ۱۲)

خوشبختانه محمد علی منشی کتیبه لنگه سمت راست را که در زمان او (۱۲۹۹ هـ) هنوز سالم و در جای خود بوده، برای ما این چنین ثبت کرده است:

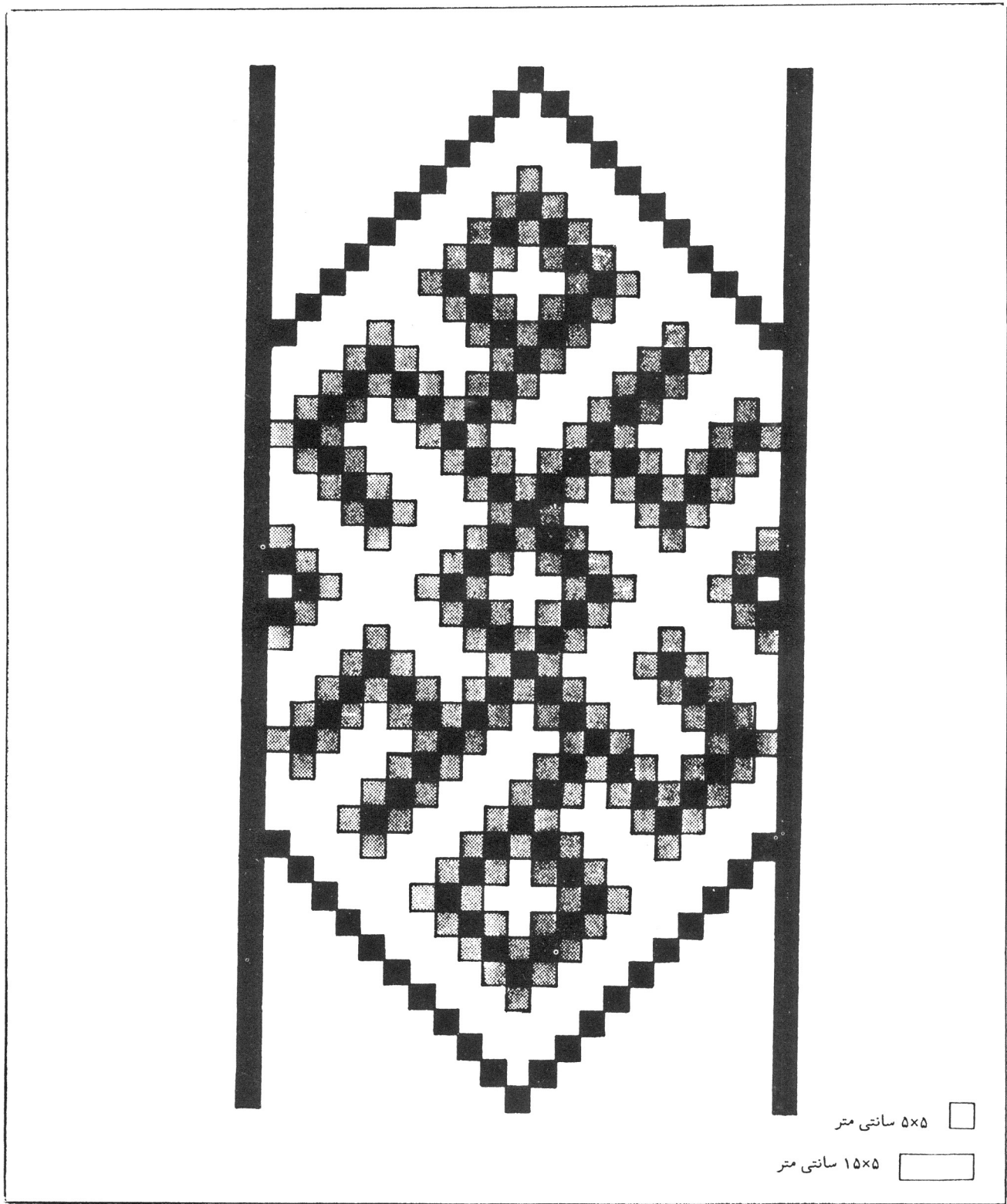
«درب سمت راست: زین هذا الباب به تربة شیخ الاسلام (الاسلام) و سلطان المشایخ الامین و امر قطب الاقطاب الملهمة بالحق. باقی عبارت در پائین درب بوده و شکسته است معلوم نیست چه بوده است.»^{۵۰}

حجره‌های دو اشکوبه طرفین ایوان: در نمای این

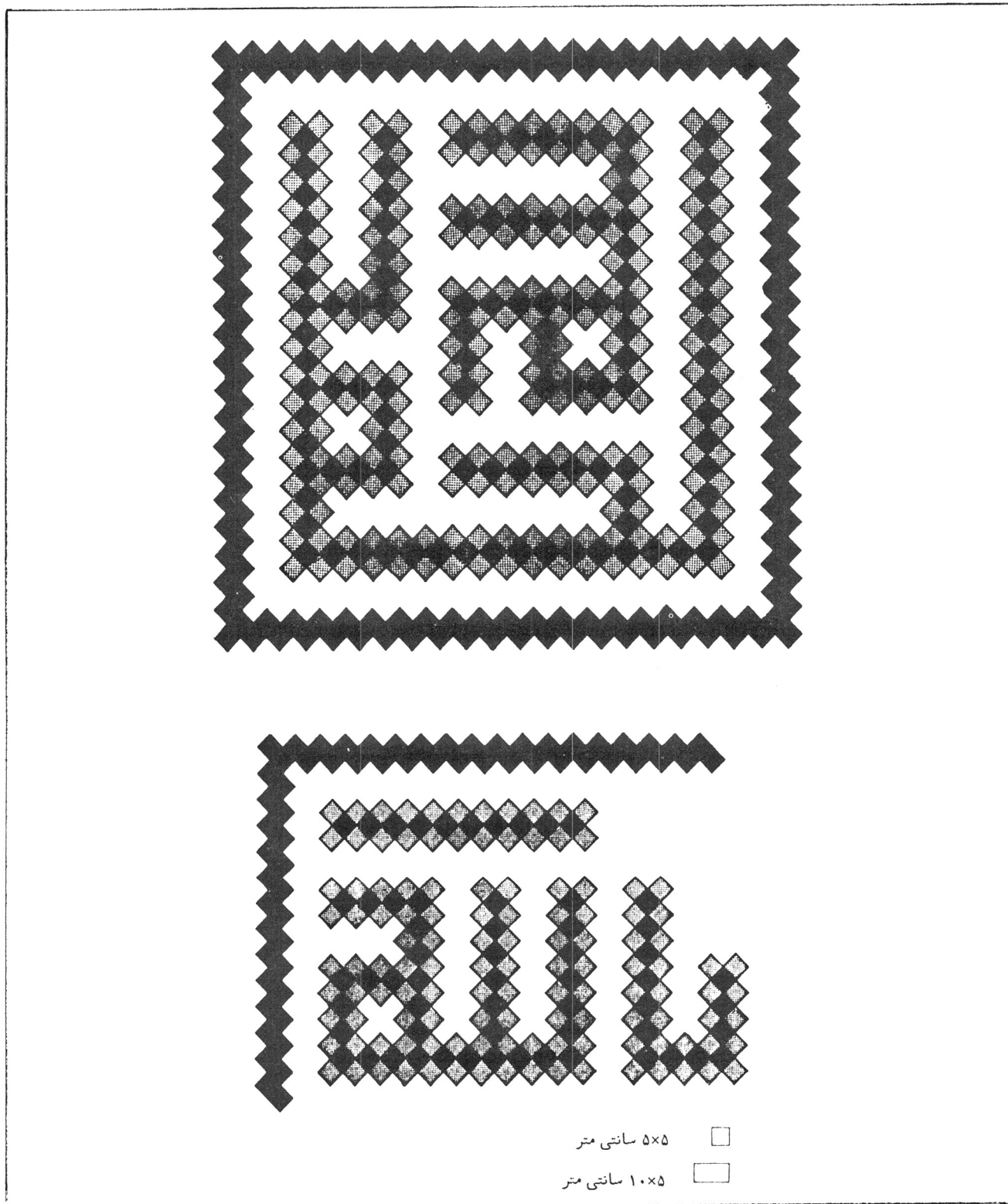


تصویر ۱۲) درب منبت کاری شده گنبد خانه.

۵۰- سفرنامه رکن الدوله، ص ۱۱۰.

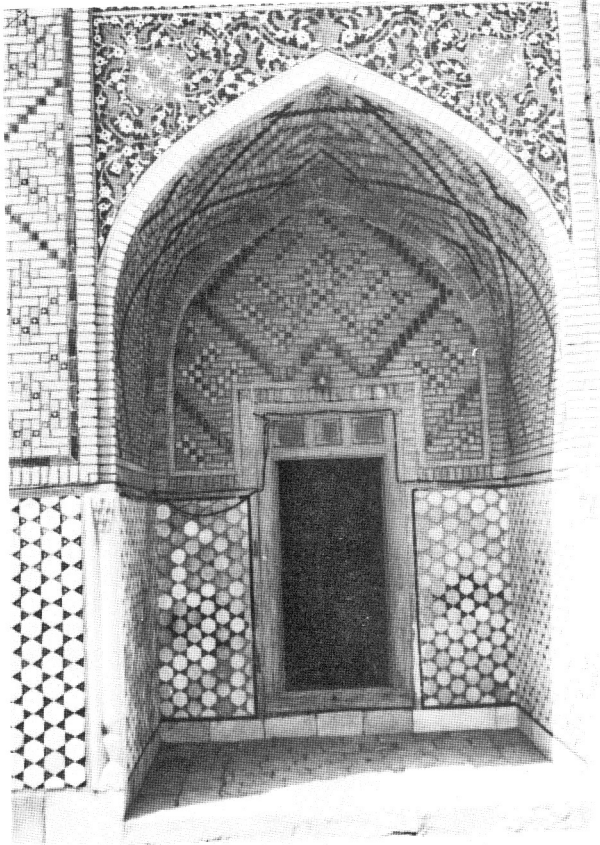


شکل ۱۶- تا ییاد کتیبه معقلی اطراف طاقنماهای طرفین ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «محمد» دو بار
 طرح از: نگارنده

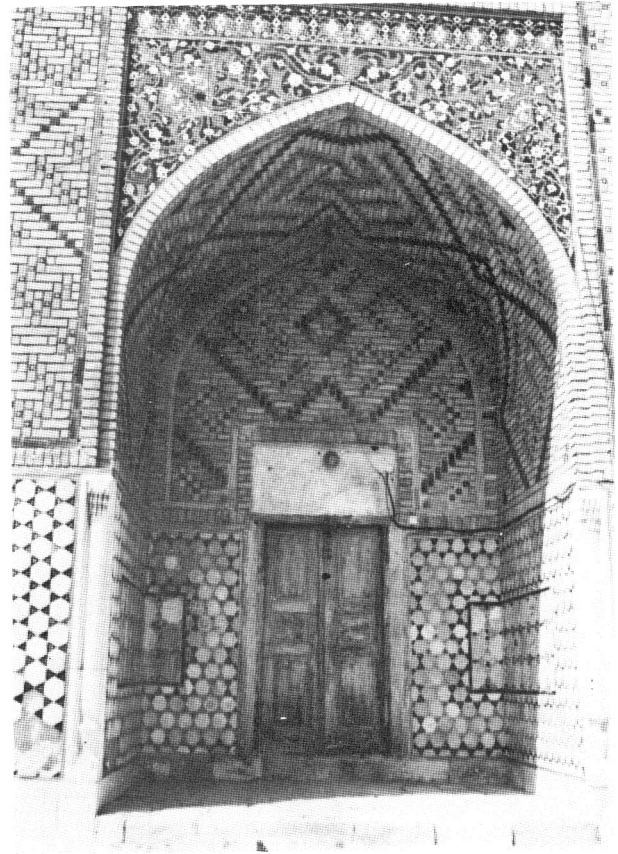


شکل ۱۷- تا یباد کتیبه معقلی طاقنماهای طبقه دوم طرفین ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «الحمدلله، یالله»

طرح از: نگارنده



تصویر ۱۵) کتیبه‌های طاقنمای حجره طبقه اول سمت چپ ایوان.



تصویر ۱۴) کتیبه‌های طاقنمای حجره طبقه اول سمت راست ایوان.

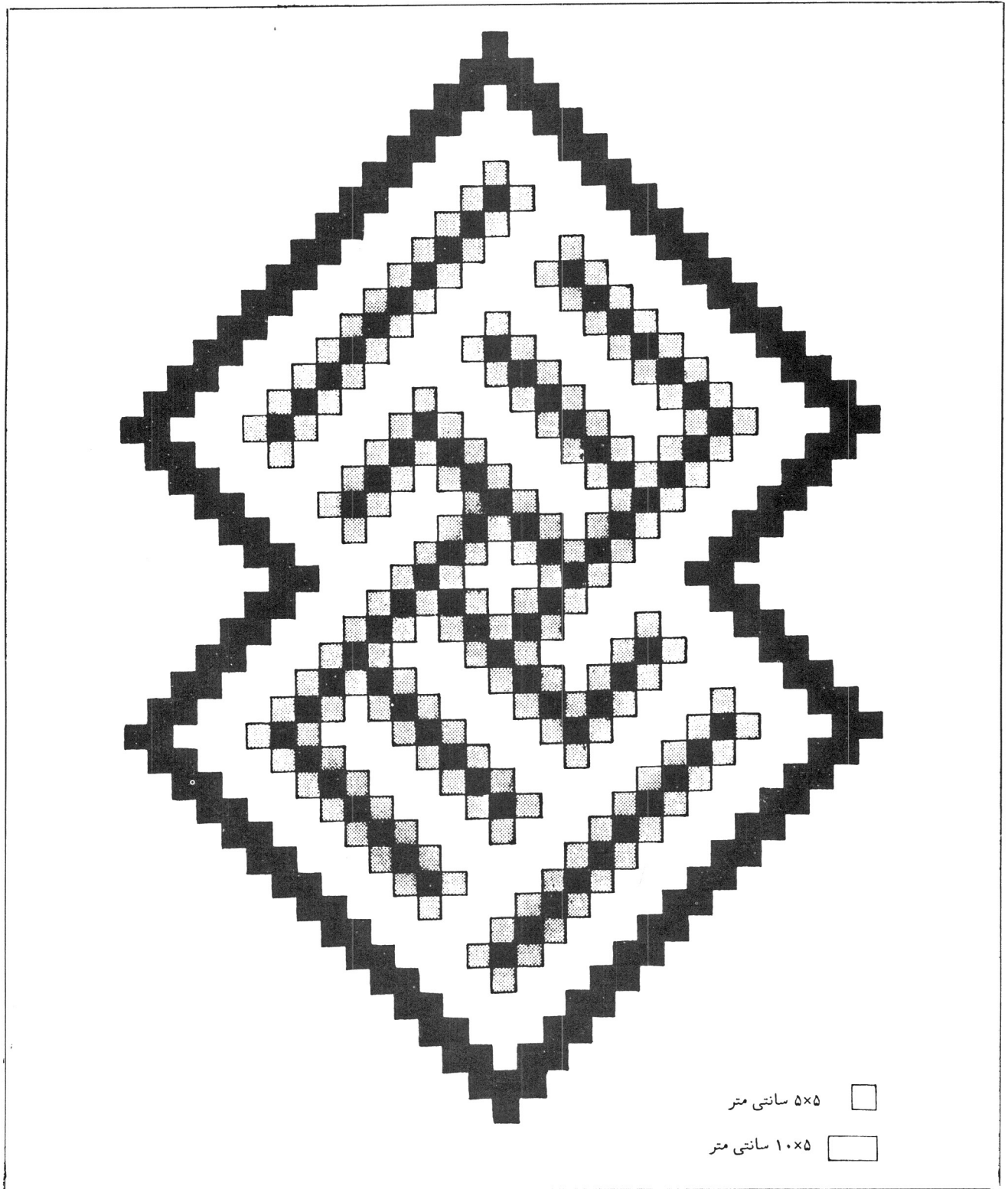
نیز هست در سال ۸۲۰ هـ عهده‌دار منصب وزارت شاهرخ گردید و در سال ۸۲۷ هـ «خواجه داود» در این سمت با او شریک شد. پس از درگذشت شاهرخ، در زمان «بابر میرزا» به قهرا و گرفتار و ملزم به پرداخت وجه کلانی به دربار شد تا این که بالاخره در سال ۸۵۷ هـ روی در نقاب خاک کشید. او را در مقبره شیخ زین الدین محمد خوافی در هرات، که از بناهای خود او بود، به خاک سپردند.^{۵۱} وی در

شکل ۱۸، تا ۲۱) و تنها اختلاف آنها در کتیبه بالای درب ورودی اتاقها می‌باشد که بالای ورودی حجره سمت راست ایوان را دو کلمه «الله» که در حرف «ه» مشترک هستند و بالای حجره سمت چپ را دو کلمه «احد» تزئین می‌کند (تصویر ۱۴ و ۱۵ - شکل ۲۰-۲۱-۲۲).

بنابر این از آنچه که گفته آمد چنین نتیجه می‌شود که به طور کلی در کاشیکاری این بنا از دو نوع کتیبه استفاده شده است: یکی کتیبه‌های دو خطی ثلث - کوفی نما و داخل ایوان و دیگری کتیبه‌های معقلی داخل ایوان، نما و داخل طاقنمای اتاقهای جانبی ایوان. بر طبق کتیبه‌های داخل ایوان، این بنا در سال ۸۴۸ هـ توسط «غیاث الدین پیراحمد بن اسحاق بن مجدالدین محمد خوافی» - وزیر شاهرخ تیموری - بر سر مزار شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی ساخته شده است. وی که بانی مدرسه غیاثیه خرگرد خواف

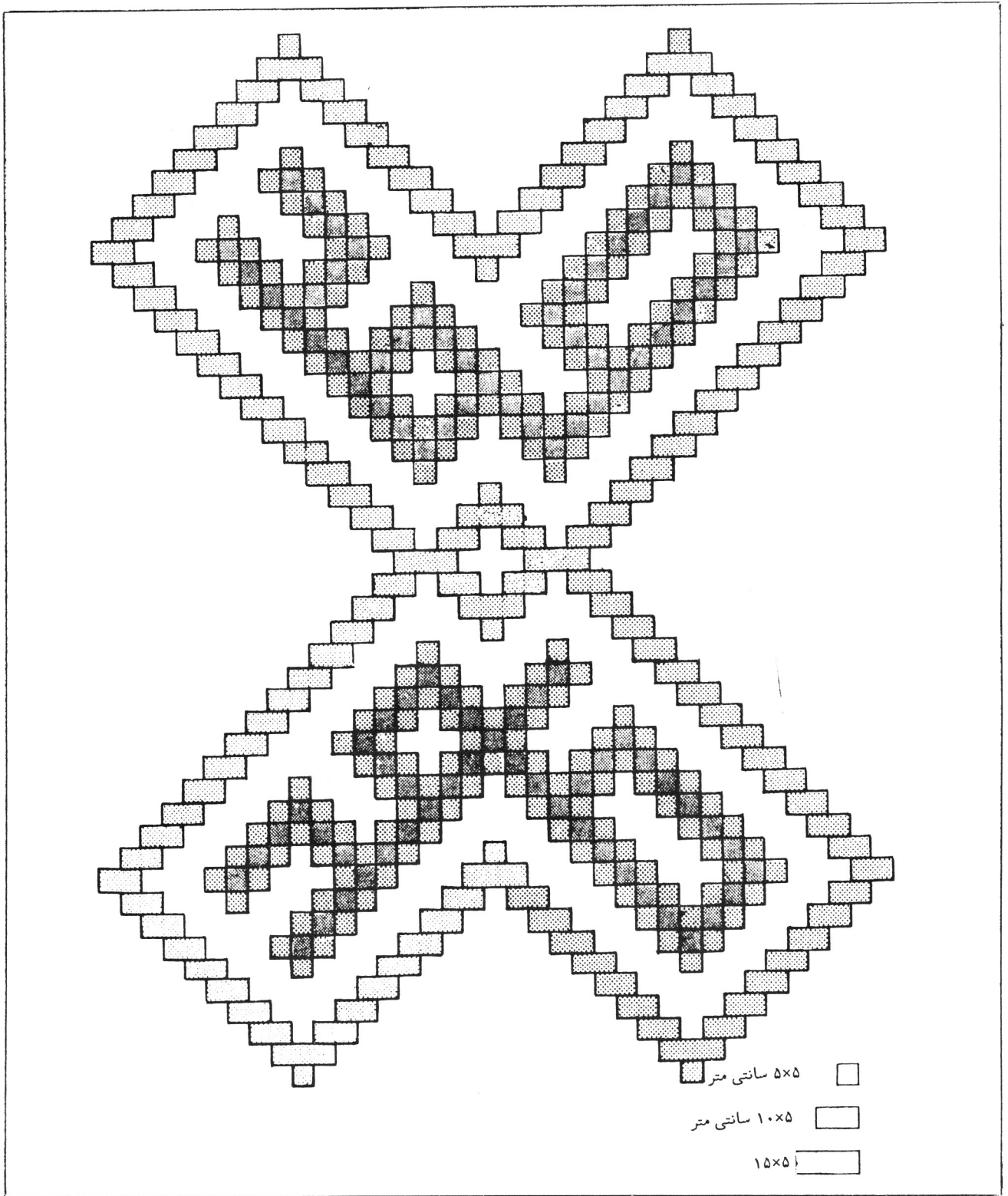
۵۱- رکب به: حبیب السیر، جلد ۳، ص ۶۰۱، و جلد ۴ ص ۳-۴،

۴۸، خوندمیر: دستور الوزرا، به تصحیح سعید نفیسی، چاپ دوم، تهران، اقبال، ۱۳۳۵، ص ۳۵۳-۳۵۵-۳۵۷- سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی: آثارالوزرا تصحیح میر جلال الدین ارموی، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴ ص ۳۵۲-۳۵۴، ۳۵۷- مجمل فصیحی جلد ۳، ص ۲۵۵،



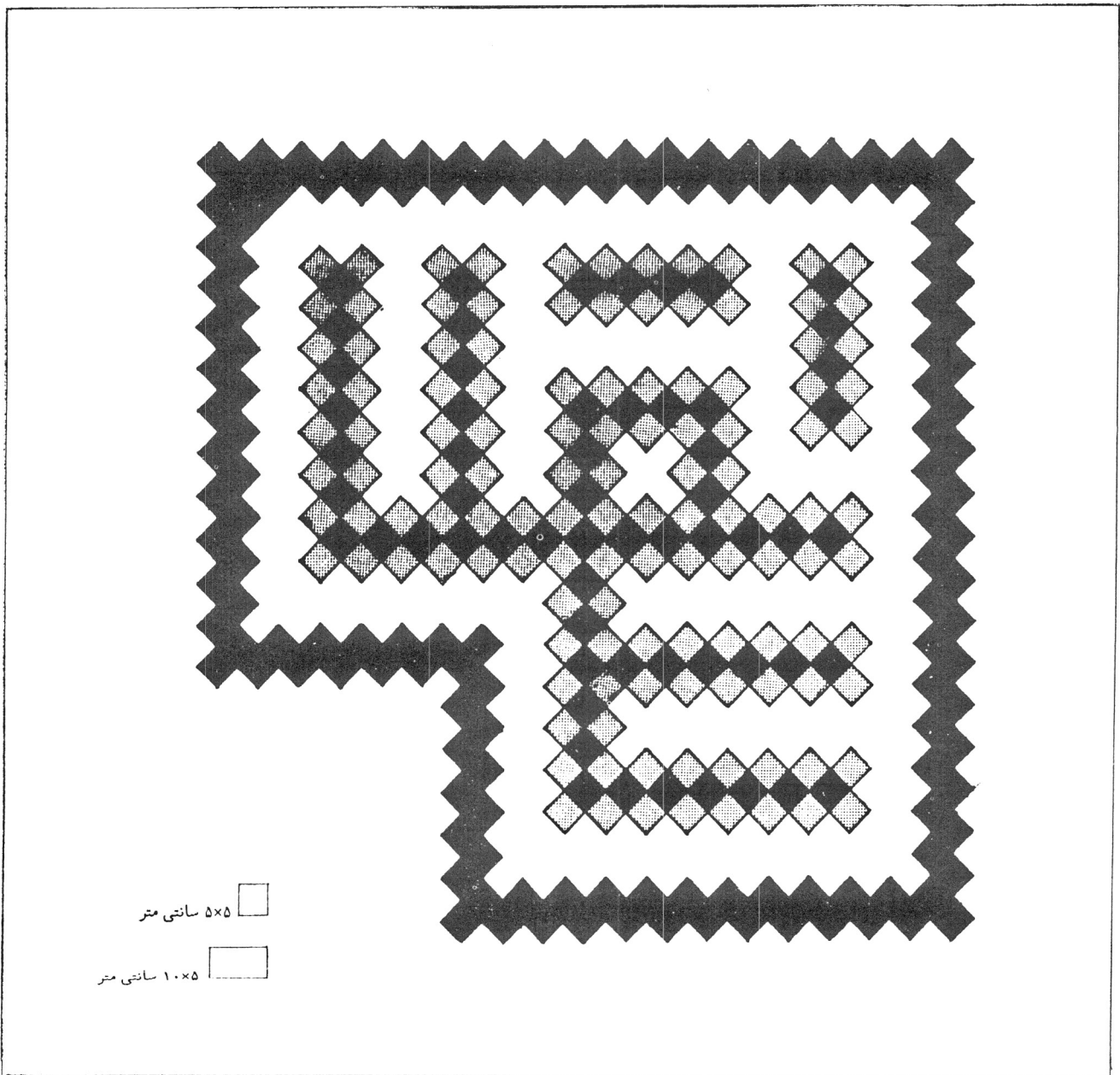
شکل ۱۸- تا یباد کتیبه معقلی داخل طاقنماهای طرفین ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «الله» دوبار

طرح از: نگارنده



شکل ۱۹- تا ییاد کتیبه معقلی داخل طاقنماهای طرفین ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «صمد» دوبار

طرح از: نگارنده



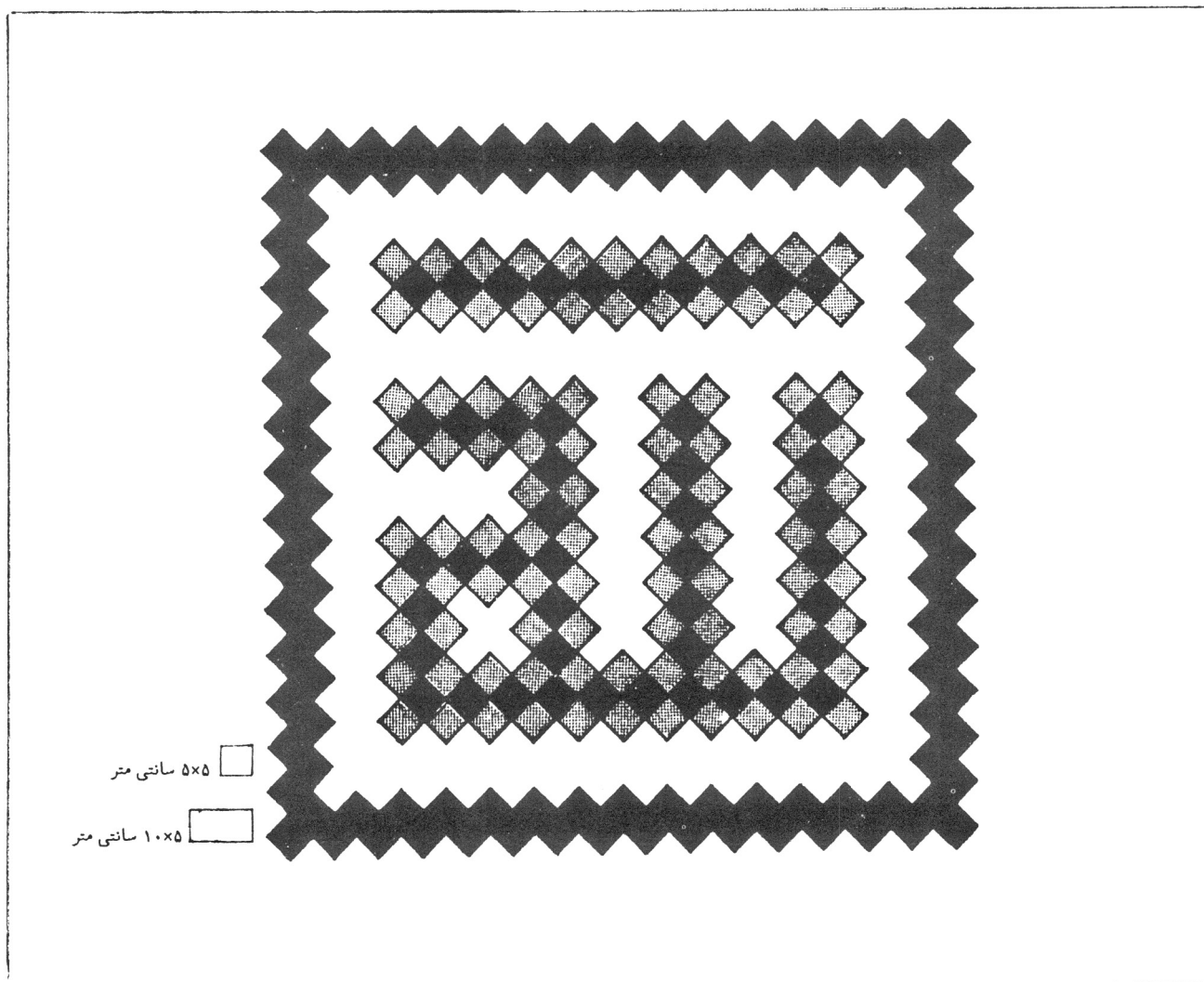
شکل ۲۰- تا بیاد کتیبه معقلی داخل طاقماهای طبقه اول سمت راست ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «الله». طرح از: نگارنده

مزار فیاض الانوار قطب السالکین هادی الخلائق الی طریق
الیقین شیخ زین الملة و الذین محمّد الخوافی و مدرسه‌ای که

◀ ۲۵۸، ۲۵۹- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق: مطلع السعدین و مجمع
البحرین، جلد ۲، تصحیح محمدشفیع، لاهور، ۱۳۶۵ هـ، ص ص
۲۰۶-۲۰۷.

خلال دوره وزارتش، بناهای زیادی بر پا کرد «خواندمیر»
در این باره چنین نوشته است:

«و خواجه غیاث الدین پیراحمد، در ایام وزارت در
باب رعایت رعیت و رفاهیت فقرای هر شهر و ولایت
مساعی مشکوره بجای آورد و در اطراف و لایات خراسان
ابنیه رفیعه و بُقاع خیر بنیاد نهاده، تمام کرد. عمارات سر



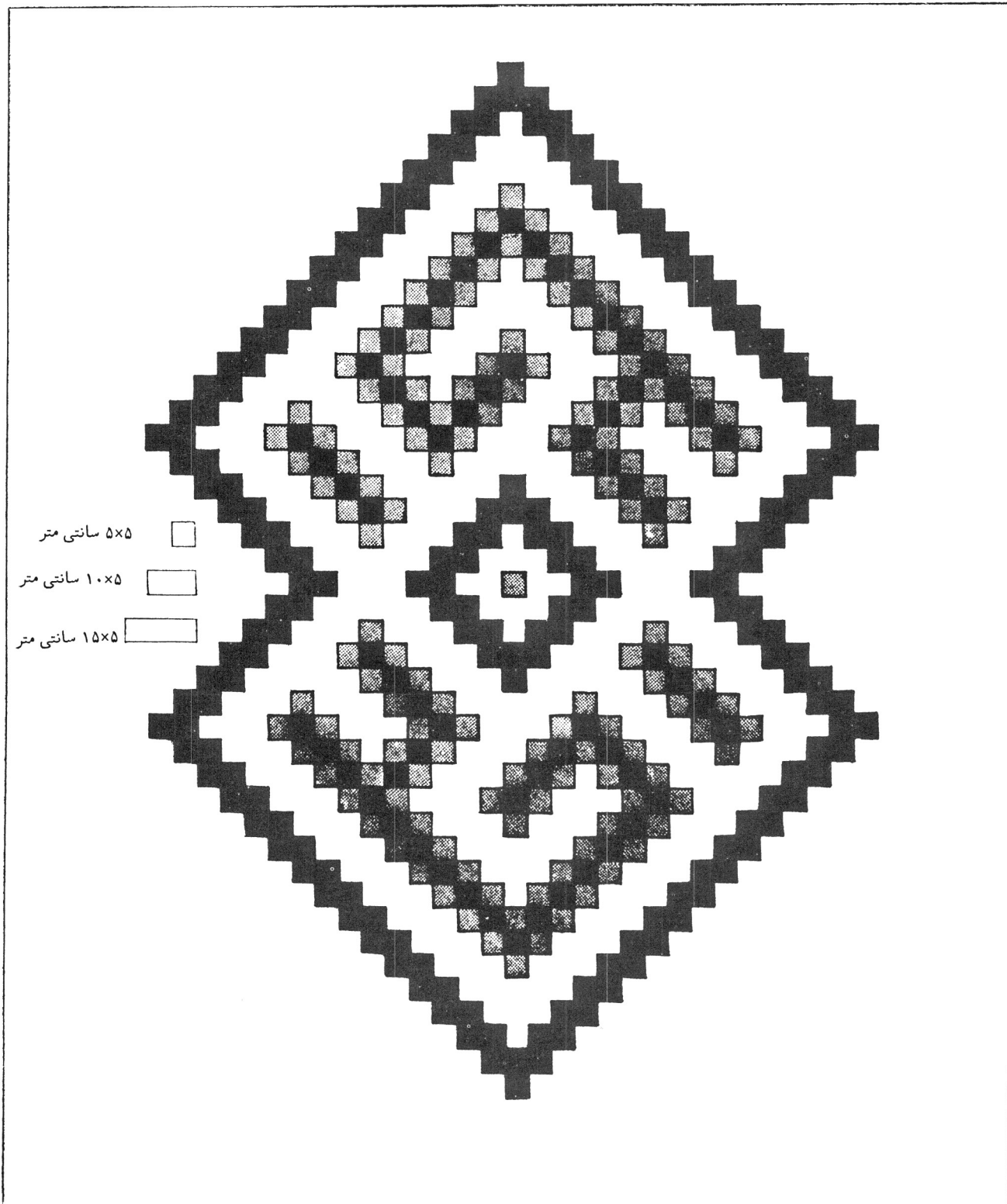
شکل ۲۱- تایباد کتیبه معقلی داخل طاقنماهای طبقه اول سمت راست ایوان بقعه زین الدین ابوبکر «الله». طرح از: نگارنده

اوست، ۵۳»

۵۲- دستورالوزره، ص ۳۵۴.

۵۳- روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، بخش یکم، ص ۲۱۹، در نسخه چاپ کلکته این قسمت با اندک تفاوتی این چنین آمده است: ... مدرسه غیاثیه بقصبه خرچرد خواف و جماعتخانه سر مزار بزرگوار حضرت شیخ زین المله والدین خوافی قدس سره و عمارات مزار فایض الانوار و مولانا زین الحق والدین ابی بکر تایبادی روح الله روحه، از آثار خیرات و مبرات اوست. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، بخش نخست، به سعی و اهتمام محمد اسحاق، کلکته ۱۳۸۰ ه.ق. ص ۱۶۴.

در ولایت خواف واقعست از جمله آثار آن وزیر عالی مقدرست و اوقاف آن بقاع نفاع در اطراف دیار خراسان بسیار...»^{۵۲}
 اگر چه خواند میر از بقعه زین الدین ابوبکر تا یبادی ذکر ی به میان نیاورده، اما «اسفزاری» صریحاً آن را یکی از بناهای ساخته شده توسط غیاث الدین پیر احمد خوافی شمرده و نوشته است:
 «... و مدرسه غیاثیه بقصبه خرچرد خواف و جماعتخانه سر مزار بزرگوار حضرت شیخ زین المله و الدین تا یبادی روح الله روحه از آثار خیرات و مبرات



شکل ۲۲- تا بیاد کتیبه معقلی بالای ورودی طاقنماهای سمت چپ ایوان بقعه زین الدین ابوبکر (احد) دوبار

طرح از: نگارنده

بنابر این جای هیچ شکلی نیست که این بنا نیز از آثار غیاث الدین پیراحمد خوفاقی است.

ولی نکته‌ای که در کتیبه‌های بنا و متون تاریخی به آن اشاره نشده نام معمار بناست. از اینرو برخی از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که از آنجائی که این بنا و مدرسه غیاثیه خرگرد هم زمان و هر دو از آثار غیاث الدین پیراحمد خوفاقی هستند، احتمال آن وجود دارد که معمار هر دو بنا نیز یک شخص، یعنی استاد «غیاث الدین شیرازی» شاگرد استاد «قوام الدین شیرازی»^{۵۴} بوده باشد که پس از درگذشت استاد، کار نیمه کاره او را در مدرسه غیاثیه خرگرد به اتمام رسانیده و هم زمان با آن، این بنا را نیز ساخته است.^{۵۵} و عده‌ای دیگر معتقدند که احتمال آن نیز هست که بانی این بنا استاد «زین جامع شیرازی» معمار مدرسه (۸۴۴ هـ) و مسجد جامع جدید (۸۴۶ هـ) تربت جام، بوده باشد^{۵۶} (؟) که از این دو، حدس نخست، به یقین نزدیکتر است.

نکته دیگر، نام کتیبه نویسناس است که در انتهای کتیبه دو خطی ایوان چنین آمده است:

«کتبه العبد الاحقر جلال الدین بن محمد بن جعفر (تصویر ۶)»

عده‌ای او را همان جلال جعفر، کتیبه نویسن مقبره گوهرشاد در هرات و نوه استاد «جلال تبریزی»^{۵۷} سرپرست کتابخانه با یسنقری می‌دانند^{۵۸}. «فکری سلجوقی» در باره او چنین نوشته است:

«وفات حکیم جعفر را به سالهای هشتصد و شصت و دو و هشتصد و هشتاد و پنج، در هرات نوشته‌اند و او را پسری بوده به نام جلال الدین محمد بن جعفر معروف به جلال جعفر، که در خطوط سبعة مخصوصاً ثلث یگانه روزگار بوده و کتیبه ایوان مزار حضرت شیخ زین الدین تایبادی در تایباد، به خط ثلث زیبای اوست آنرا دیده‌ام و الحق که بسیار عالی نوشته و چنین امضاء نموده. و نیز سنگی مستطیل بزرگ از مرمر به خط ثلث او در هرات باقی است و ظاهراً همین جلال جعفر است که در رساله هنروران بنام مولانا جعفر خلیفه آمده و ظاهراً سهو کاتب است.»^{۵۹}

او در جائی دیگر در باره کتیبه ایوان بقعه زین الدین ابوبکر چنین نوشته است:

«در اصل کتبه یک کلمه «بن» زاید دارد (؟) که جلال الدین بن محمد بن جعفر خوانده می‌شود، که ظاهراً سهو کاشی تراشان خواهد بود یعنی هنگام تراشیدن حروف از کاشی کلمه «بن» آنجا سهواً زیاده شده باشد (؟) چرا که در کتبه هرات تنها «کتبه جلال جعفر نوشته است»^{۶۰} در این خصوص توضیح چند نکته لازم است. اول این که امکان چنین اشتباهی تا حدی بعید به نظر می‌رسد چرا که

۵۴- جهت اطلاع بیشتر از شرح حال استاد قوام الدین شیرازی، طیان نامدار زمان شاهرخ، رک به: نوائی، میرنظام الدین علیشیر: تذکره مجالس النفايس به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴، ۳۱۴- روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، جلد ۲، حواشی ص ۱۷-۴- حبیب السیر، جلد ۴ ص ۱۴-۱۵.

۵۵- رک به، آثار ایران، جلد ۱، ص ۱۷۷ و

See.Timurid Architecture In Khurasan,P.224.

See.Taybad.P.93. ۵۶-

۵۷- فریدالدین جعفر مشهور به حکیم جعفر هروی /جعفر تبریزی/ جعفر بایسنقری یکی از خوشنویسان بنام سده نهم هجری (در گذشته به سال ۸۸۵/۸۶۲ هـ در هرات) بوده، که خطوط، نسخ، محقق و نستعلیق و به ویژه ثلث را بسیار نیکومی نوشته است. او در خط ثلث و نسخ شاگردی " شمس الدین خطابی " و در نستعلیق شاگردی میرعبدالله «شکرین قلم» را نموده و چون جهت تحصیل به تبریز رفته بود، او را جعفر تبریزی می خوانده‌اند. جهت اطلاع بیشتر رک به: فکری سلجوقی، ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان (تعلیقات فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد هروی)، کابل، ۱۳۴۹، ص ۷-۶، ۲۴- اصفهانی، میرزاحبیب: تذکره خط و خطاطان، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران، کتابخانه مستوفی ۱۳۶۹، ص ۱۲۲- بیانی، مهدی: احوال و آثار خوشنویسان، چاپ دوم، تهران، علمی ۱۳۶۴، جلد ۱ ص ۱۱۴، ۱۱۵- جلد ۳ و ۴، ص ۱۰۵۴.

See, O, KANE . Taybad .p.89. (۵۸)

۵۹- ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان، ص ۲۴.

۶۰- همان کتاب، ص ۲۶.

اگر نه در حین کار، دست کم پس از اتمام کار، بالاخره کسی متوجه این اشتباه می‌شد و می‌توانستند به راحتی کلمه زاید را حذف کنند. دو دیگر این که چنان که از خط کتیبه پیداست وی می‌بایستی از اساتید برجسته زمان خود (۸۴۸ هـ) بوده باشد، که این، با سن و سال حکیم جعفر چندین سازگار نیست، چرا که او را مسئول کتابخانه (بایسنقر میرزا) (متوفی ۸۳۷ هـ) دانسته‌اند. مگر این که بپذیریم که وی (حکیم جعفر متوفی با سال ۸۸۵/۸۶۲ هـ) عمری دراز یافته و در روزگار جوانی صاحب فرزندى بوده (در ۸۴۸ هـ که تاریخ کتیبه این بناست) که از اساتید بزرگ عصر خویش به شمار می‌آمده است. (؟)

در مقابل این بنا صحن بزرگی است که در اطراف آن دیواری با حدود ۵۰ طاق نما کشیده‌اند راه ورود به این صحن، سر در کوچکی است که بر بالای درب آن لوح سنگی سفید رنگی نصب شده است که دارای کتیبه‌ای می‌باشد و تنها بخشی از آن خوانده شد که از این قرار می‌باشد:

«... حب (؟) سلطان بنت آقا موسی فی تاریخ محرم الحرام سنه اربع و اربعین و ثمانمائه هر که آمد به جهان اهل فنا خواهد بود.»

عملکرد: در کتیبه کمرگاه ایوان، از آن به عنوان «بقعه»^{۶۱} یاد شده است که این واژه در متون تاریخی این عصر به معانی متفاوتی، از مقبره و خانقاه گرفته تا مسجد... دلالت می‌کند، بکار رفته است که از یکسو، نظر به این که بر روی قبر شیخ بر پا نشده است، پس نمی‌تواند مقبره به مفهوم رایج آن که در دیگر جایها می‌بینیم، باشد. از دیگر

سو بر اساس نوشته اسفزاری که از آن با عنوان جماعتخانه یاد کرده است و نیز وجود حجره‌هایی در طرفین ایوان، (چله خانه) که محلی برای چله نشستن صوفیان و سکونت آنها و مسافران بوده است، حکایت از آن دارد که این بنا خانقاه و جماعت خانه صوفیان و پیروان شیخ بوده است. در باره واژه اخیر چنین نوشته‌اند:

«در خانقاه او را دو اذکار و ریاضات و چله نشینی رایج بود که غالباً اشتغال به آنها بیشتر اوقات سالکان طریق راه، مستغرق می‌داشت. درین خانقاه‌ها سالکان و فقیران خلوت نشین نیز مانند شیخ خانقاه، زاویه خاص خویش داشتند اما ذکر دسته جمعی و درک صحبت شیخ و صرف طعام و صف نماز و حلقه سماع آنها غالباً در «جماعت خانه» منعقد می‌شد.»^{۶۲}

معنای دیگری که می‌توان بر این واژه حمل نمود، نماز خانه/ مسجد است که وجود محراب داخل بنا نیز مؤید صحت این نظریه می‌باشد، و هم اکنون نیز مردم محل از آن به عنوان مسجد مولانا نام می‌برند.

خلاصه کلام اینکه این بنا در سال ۸۴۸ هـ توسط غیاث الدین پیراحمد خوافی بر سر مزار شیخ زین الدین ابوبکر تأییدی بر پا شده، که به عنوان جماعتخانه مورد استفاده صوفیان آن روزگار قرار می‌گرفته است.

See.Taybad.pp.94-95.

۶۱-

۶۲- زرین کوب، عبدالحسین: ارزش میراث صوفیه، تهران، آریا،

۱۳۴۴، ص ۹۴.

